



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: فلسفه

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد آکوچکیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید محمد حسین هاشمیان

نگارش:

معصومه محمودی

زمستان 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باکمال ادب و خضوع این رساله را تقدیم می‌کنم به:

به ایشان که

عطر حورالعین

همین باشد غبار روضه اش

ترتیب جبرئیل

را سیرایه شمس بود...

حضرت فاطمه معصومه (س)

و نیز اسوه‌های نام و نشان!

شهیدان بی‌نشان...

بارها!

کام مراد ادای دین به نامم، استوارتر کردن.

تقدیر و تشکر

شکرمانانی نثار می‌کنم که توفیق را بهم ساخت تا این رساله را به پایان برسانم.

تقدیر و درود بر بانوی آفتاب، حیات کوی، حضرت فاطمه معصومه (س) که حضورشان سنگین بی‌قراریم و نشان قوت‌بخش انگیزه‌های زندگانیم بوده است.

تقدیر و شکر از پدر و مادرم که حلال رزقشان، چراغ وجودشان، زلال محبتشان و نیاش‌های بی‌دینشان به‌نواره روشنگر تیرگی مسیرم بوده است، همچنین تقدیر از مساعدت‌های

برادران مهربانم که دوستشان، سخنی‌های را بهم راز می‌کردند. می‌گویم تا موجب افتخار آنان باشم.

با تقدیر و شکر از استاد فرزانه جناب دکتر احمد آکوچکیان، آموزگار محارمه در احیای محابه خود، زندگی و آرزای برگزیده و به‌نواره راهنما و ره‌گشای در شکل‌گیری و به‌ثمر رسیدن رساله‌ام، و

با سپاس بی‌دریغ خدمت استاد فرزانه جناب دکتر سید محمد حسین هاشمیان به‌منظور راهنمایی صمیمانه و مشتاقانه.

با سپاس بی‌دریغ خدمت دوستان گران‌بایه ام زینب السادات فیاض پور، زهرا صفری و بهر بختکاران مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) که مرا صمیمانه یاری کردند.

و با سپاس خالصانه خدمت بهر کسانی که به‌نوعی مراد به انجام رساندن این مهم‌یاری نمودند.

چکیده

مدیریت راهبردی فرهنگی به مثابه یکی از اضلاع برجسته الگوی مدیریت تغییر مطرح است. رساله پیش رو با پرسش اصلی «سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از منابع فلسفه اسلامی چگونه است؟» به مدد روش‌شناسی آمیختگانی و چندبعدی، به تحلیل فرایند و روش‌های سازوکار یاد شده می‌پردازد. مبتنی بر این تحلیل، نظر به مبانی فلسفه اسلامی می‌توان دریافت که در دو سطح تحلیل مبانی کل و جزء، برون‌دادهایی به عرصه نظام آرمان‌ها ارائه کرده است که با اهتمام به پیچیدگی مسائل عصر حاضر، و نیازمندی به مدیریت عینی، حاجتمند تکمیلات قابل توجهی خواهد بود. این رساله نشان داده است که مدیریت راهبردی فرهنگی دارای سه سطح مبانی نظری، الگوی مطلوب و سطوح کاربردی می‌باشد، که فرایند و روش حرکت از سطح اول به سطح دوم نقطه برجسته آن خواهد بود. بر همین اساس مباحث رساله پیش رو در سه فصل به سامان آمده است: فصل نخست مفهوم‌شناسی؛ فصل دوم سطوح یک مدیریت تغییر و فصل سوم سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی.

کلیدواژگان: سازوکار، فرهنگ، اصول، مدیریت راهبردی فرهنگی، روش‌شناسی.

فهرست مطالب

1 فصل اول: کلیات و مفاهیم
2 سرآغاز
4 1- کلیات
4 1-1- بیان مسأله
4 1-1-1- تشریح ابعاد و حدود مسأله و معرفی دقیق آن
 2-1-1- بیان جنبه‌های مجهول و مبهم و متغیرهای مربوط به پرسش-
6 های تحقیق
8 2-1- سؤال اصلی
9 3-1- سؤالات فرعی
9 4-1- اهمیت و فایده تحقیق
9 5-1- ضرورت تحقیق
10 6-1- پیشینه تحقیق
11 1-6-1- پیشینه در کتاب
22 2-6-1- پیشینه در مقالات
24 7-1- روش تجزیه و تحلیل
24 8-1- فرضیه‌های تحقیق
25 2- چارچوب مفهومی
26 1-2- تعاریف کاربردی پیرامونی تحقیق:
26 1-1-2- فرهنگ
27 1-1-1-2- معنای لغوی فرهنگ:

- 27.....2-1-1-2_ معنای اصطلاحی فرهنگ
- 27..... فرهنگ در کتب اصطلاحی علوم اجتماعی
- 28..... تعریف فرهنگ با رویکرد برون دینی
- 28..... تعریف فرهنگ با رویکرد درون دینی:
- 28..... فرهنگ از منظر شهید مطهری:
- 29..... تعریف فرهنگ از منظر علامه جعفری
- 30..... تعریف استاد مصباح از فرهنگ
- 30.....3-1-1-2_ فرهنگ در رویکرد برگزیده پژوهش حاضر:
- 32.....2-1-2_ راهبرد
- 32.....2-1-2_ 1- معنای لغوی راهبرد:
- 32.....2-2-1-2_ معنای اصطلاحی راهبرد:
- 34.....3-1-2_ مدیریت
- 34.....1-3-1-2_ مدیریت در لغت:
- 34.....2-3-1-2_ مدیریت در اصطلاح:
- 35.....3-3-1-2_ تعریف برگزیده این پژوهش:
- 35.....4-1-2_ مدیریت راهبردی
- 38.....2-2_ مفاهیم بنیادین
- 38.....1-2-2_ مدیریت راهبردی فرهنگی
- 42.....2-2-2_ سازوکار
- 47.....3-2-2_ اصول:
- 48.....4-2-2_ فلسفه اسلامی
- 53.....1-3_ تحلیل و جمع بندی فصل

فصل دوم: فرایند درونی و ساختار یک الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی. **Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined...... سرآغاز

Error! Bookmark not defined. 1- ساختار تحلیلی یک الگوی مدیریت تغییر.

1-1 در زیرترین لایه: پژوهش‌های معطوف به حوزه مبانی نظری اندیشه و

Error! Bookmark not defined..... الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی

2-1 سطح دوم: الگوی ارزش‌داورانه وضعیت مطلوب اندیشه و الگوی

Error! Bookmark not defined...... مدیریت راهبردی فرهنگی

3-1 سطح سوم: دستاوردهای مربوط به الگوی کاربردی. **Error! Bookmark not defined.**

2- مبانی نظری الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی. **Error! Bookmark not defined.**

1-2 مبانی هستی‌شناختی **Error! Bookmark not defined.**

2-2 مبانی معرفت‌شناختی **Error! Bookmark not defined.**

3-2 مبانی روش‌شناختی **Error! Bookmark not defined.**

4-2 مبانی ارزش‌شناختی **Error! Bookmark not defined.**

5-2 مبانی انسان‌شناختی **Error! Bookmark not defined.**

3- الگوی ارزشی - وضعیت مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی. **Error! Bookmark not defined.**

1-3 انواع ارزشهای تشکیل‌دهنده شاگله ارزشی جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

2-3 عرصه‌های طولی و عرضی ارزشهای جامعه آرمانی در حوزه عمومی. **Error! Bookmark not defined.**

1-2-3 مراتب طولی ارزشهای جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

2-2-3 عرصه‌های عرضی ارزشهای جامعه آرمانی در حوزه عمومی. **Error! Bookmark not defined.**

3-3 شاخصه‌های عام جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

1-3-3 شاخصه‌های وجه معناداری و قاعده‌گذاری جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

شاخصه‌های عرصه بینشی (عقلانیت) **Error! Bookmark not defined.**

شاخصه‌های عرصه گرایشی (ایمان) .. **Error! Bookmark not defined.**

شاخصه‌های عرصه کنشی (اخلاق) ... **Error! Bookmark not defined.**

2-3-3 شاخصه‌های وجوه معناداری و ساختاری تعاملات اجتماعی در

جامعه آرمانی..... **Error! Bookmark not defined.**

4_3_ شاخصه‌های ارزشی عرصه‌های در جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

4_3_1_ شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه ادب و هنر. **Error! Bookmark not defined.**

4_3_2_ شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه تولید علم. **Error! Bookmark not defined.**

4_3_3_ شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه خانواده و روابط اجتماعی. **Error! Bookmark not defined.**

4_3_4_ شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه سیاست. **Error! Bookmark not defined.**

4_3_5_ شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه اقتصاد، صنعت و تجارت. **Error! Bookmark not defined.**

4_3_6_ شاخصه محوری جامعه آرمانی در حوزه بهداشت زیستی و

روانی..... **Error! Bookmark not defined.**

4_3_7_ شاخصه جامعه آرمانی در حوزه امنیت. **Error! Bookmark not defined.**

3_5_ شبکه مفهومی ارزشی جامعه آرمانی در امتداد تحقق ولایت الهی. **Error! Bookmark not defined.**

4_ نظام تحقیق و توسعه‌ای: سطوح کاربردی - راهبردی مدیریت راهبردی فرهنگی. **Error! Bookmark not defined.**

4_1_ تغییرات در فرهنگ..... **Error! Bookmark not defined.**

4_2_ اهداف فرهنگی جامعه..... **Error! Bookmark not defined.**

4_3_ مهندسی فرهنگی نظام‌های اجتماعی. **Error! Bookmark not defined.**

4_4_ وضع موجود جامعه..... **Error! Bookmark not defined.**

4_5_ اقدامات عملی..... **Error! Bookmark not defined.**

4_5_1_ گام آغازین: مسأله‌سازی موضوع. **Error! Bookmark not defined.**

4_5_2_ گام دوم: ایجاد شناخت در مدیران و نخبگان با نفوذ جامعه،

یعنی سازماندهی تیمهای موج‌آفرین برای حضور در جمع. **Error! Bookmark not defined.**

4_5_3_ گام سوم: تدوین چشم انداز فرهنگی. **Error! Bookmark not defined.**

4_5_4_ گام چهارم: شناسایی فاکتورهای بحرانی موفقیت فرهنگی. **Error! Bookmark not defined.**

4_5_5_ گام پنجم: شناسایی شایستگی‌های محوری. **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined. 4_5_6- گام ششم: تحلیل ذی نفعان فرهنگی

4_5_7- گام هفتم: تحلیل شرایط فرهنگی درون مجموعه و استخراج

Error! Bookmark not defined..... نقاط قوت و ضعف فرهنگی

4_5_8- گام هشتم: تحلیل شرایط فرهنگی بیرون مجموعه و

Error! Bookmark not defined. استخراج فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی

4_5_9- گام نهم: شناسایی جذابیت‌های فرهنگی

Error! Bookmark not defined. 4_5_10- گام دهم: تعیین اهداف کلان فرهنگی مجموعه

Bookmark not defined. 4_5_11- گام یازدهم: استخراج و تدوین استراتژی‌های فرهنگی

Error! Bookmark not defined. 4_5_12- گام دوازدهم: اولویت‌بندی استراتژی‌ها

Bookmark not defined. 4_5_13- گام سیزدهم: ایجاد طرح مؤثر فرهنگی بر اساس استراتژی‌ها

Bookmark not defined. 4_5_14- گام چهاردهم: تعیین معیارهای کلیدی عملکرد فرهنگی

4_5_15- گام پانزدهم: ارزیابی مستمر عملکرد فرهنگی مجموعه و

Error! Bookmark not defined..... کنترل استراتژیک

Bookmark not defined. 4_5_16- گام شانزدهم: جمع‌آوری بازخورهای گام‌های پیشین

5- تحلیل و جمع‌بندی فصل **Error! Bookmark not defined.....**

Bookmark not defined. فصل سوم: ساز و کار گذار به طراحی الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی

Error! Bookmark not defined. سرآغاز

Bookmark not defined. 1- تحلیل معنایی سازوکار به فرایند و روش مدیریت تحول در متن این فرآیند

2- فرایندهای استخراج و برآمدن اصول مدیریت راهبردی فرهنگی، الگوی مطلوب

Error! Bookmark not defined. از مبانی نظری به سطح مدیریت راهبردی در فلسفه اسلامی

Bookmark not defined. آرمان‌نهایی نظام ارزشی الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی

Error! Bookmark not defined. خاستگاه نظام ارزشی الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی

2-1- فرایند استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی کل فلسفه

اسلامی..... **Error! Bookmark not defined.**

2-1-1- کارکردهای هستی شناختی. **Error! Bookmark not defined.**

2-1-3- کارکردهای ارزش شناختی. **Error! Bookmark not defined.**

2-1-4- کارکردهای انسان شناختی. **Error! Bookmark not defined.**

2-2- فرایند استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی جزء فلسفه

اسلامی..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2-1- ابعاد روابط و تعاملات انسان و ارزش های آرمانی مورد نظر

در هر بعد..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2-2- مراتب طولی ارزش های آرمانی و چگونگی گسترش و امتداد

یافتن ارزش های آرمانی..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2-3- جدول مفاهیم و ارزش های آرمانی انسان اجتماعی و لوازم

آن ها در درک ابعاد ارزشی جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

2-2-4- هویت هستی شناختی و ارزشی جامعه آرمانی اسلامی. **Error! Bookmark not defined.**

2-2-5- مراتب طولی و محوری ارزش های جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

2-2-6- عرصه های عرضی ارزش های جامعه آرمانی در حوزه عمومی

و گسترش های ارزشی جامعه..... **Error! Bookmark not defined.**

3- روش شناسی استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی. **Error! Bookmark not defined.**

3-1- تبیین روش شناسی..... **Error! Bookmark not defined.**

3-2- روش شناسی قیاس عملی، روش شناسی عام پیشرونده از مبانی به اصول و

بازخورنده از اصول به مبانی..... **Error! Bookmark not defined.**

3-2-1- الگوی ارسطو..... **Error! Bookmark not defined.**

3-2-2- الگوی فرانکنا در تحلیل روش دستیابی به اصول مدیریت

Error! Bookmark not defined..... راهبردی فرهنگی

Error! Bookmark not defined. 2-3 انواع روش شناسی های کاربردی

Error! Bookmark not defined..... 1-2-3 روش استنباطی:

Error! Bookmark not defined..... 1-2-3 روش تحلیل مضمون

Error! Bookmark not defined..... 2-2-3 روش سیستمی

Error! Bookmark not defined..... 3-2-3 روش آینده نگاری:

Error! Bookmark .. 1-3-2-3 آینده نگری و استراتژی

not defined.

Error! Bookmark not defined. 4-3 تحلیل و جمع بندی فصل

Error! Bookmark not defined..... **خاتمه: نتیجه گیری و پیشنهادها**

Error! Bookmark not defined. 1- نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined. 2- پیشنهادها

Error! Bookmark not defined. **منابع و مأخذ**

Error! Bookmark not defined. 1. کتابهای فارسی

Error! Bookmark not defined. 2. منابع عربی

Error! Bookmark not defined. 3. مقالات

Error! Bookmark not defined. 4. پایان نامه ها

Error! Bookmark not defined. 5. درسنامه

Error! Bookmark not defined. 6. سند

فهرست اشکال

شکل 1-1- ترکیب مفهومی مدیریت راهبردی فرهنگی 26

شکل 1-3- سطوح تحلیلی یک مدیریت راهبردی فرهنگی 42

شکل 1-4- ایده اولیه تبیین سازوکار استخراج اصول از مبانی فلسفه اسلامی 46

شکل 1-5- سطوح تحلیلی یک مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی 53

شکل 1-2 - ساختار تحلیلی یک الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی. **Error! Bookmark not defined.**

شکل 2-2 - انواع ارزش‌های تشکیل دهنده جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

شکل 2-3 - شاخصه‌های عام جامعه آرمانی **Error! Bookmark not defined.**

شکل 2-4 - نمای تفصیلی شاخصه‌های عام جامعه آرمانی. **Error! Bookmark not defined.**

شکل 2-5 - تعاملات انسان و جایگاه نظام‌های اجتماعی. **Error! Bookmark not defined.**

شکل 2-6 - عرصه‌های عرضی ارزش‌های جامعه آرمانی در حوزه عمومی. **Error! Bookmark not defined.**

شکل 1- سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی در یک نگاه. **Error! Bookmark not defined.**

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

سر آغاز

اندیشه دینی در جهان معاصر دینی، در آستانه گذار به الگوی جامع پیشرفت با پرسش- های خرد و کلانی روبروست که انتظار پاسخ جامع آن از منابع دینی می باشد.^۱ یکی از گام های مهم در این عرصه، اهتمام دین شناخت به پژوهش مدل مفهومی الگوی راهبردی مدیریت فرهنگی است. روش شناسی پیشرونده و بازخورنده در این پژوهش، سه سرفصل مترتب بر یکدیگر را، در یک فرایند پیشرونده^۲، پیش رو می گذارد؛ اولین سطح، میدان معناشناختی سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی را پیش رو می نهد، دومین سطح، مدل مفهومی یک الگوی جامع مدیریت راهبردی فرهنگی به منظور شناخت جایگاه اصول ارزش داورانه مورد نظر از مبانی و پیش فرض های فلسفی ارائه می گردد و سپس در گام نهایی به بررسی فرایندها و روش شناسی خودویژه آنان پرداخته خواهد شد. با اهتمام به کاستی های موجود در بهره وری از فلسفه اسلامی موجود در عرصه عینیت بخشی و مدیریت- های عینی، پژوهش پیش رو مستند به روش شناسی چندبعدی تصویر نظام واره ای از گام نهایی استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی خواهد بود. از این رو ایده مورد نظر در دو سطح اصلی به سامان می آید:

-
1. احمد آکوچکیان و همکاران، **الگوی راهبری تحول**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه، 1394. ص 21.
 2. همان، **الگوی معیار رشد با سوره حدید**، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) و شورای توسعه فرهنگ قرآنی با همکاری انتشارات بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه، 1393، صص 143-138.

- 1- مبانی فلسفه اسلامی به مثابه زیربنای لایه و اصول مدیریت راهبردی در دومین گام از سطوح تحلیلی الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی، تبیین می شود؛
- 2- تبیین پیش فرض های فلسفی، کارکردهای خودویژه را به دست می دهند؛
- 3- و در نهایت مبتنی بر پیش فرض های یاد شده و اصول راهبردی فرهنگی، به فرایندهای استخراج اصول مدیریت راهبردی از مبانی فلسفه اسلامی در دو سطح تحلیلی مبانی کل و جزء فلسفه اسلامی و روش شناسی چندبعدی فرایندهای ذکر شده، رهسپار خواهیم شد. ساختار مباحث این پایان نامه متشکل از سه مرحله است:
 - 1- مرحله اول: کلیات و مفهوم شناسی در فصل اول؛
 - 2- مرحله دوم: ساختار شناسی الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی در فصل دوم:
 - 1-2- مبانی نظری مورد نظر؛ مبانی فلسفه اسلامی؛
 - 2-2- الگوی مطلوب، مبتنی بر مبانی یاد شده؛
 - 3-2- نظام تحقیق و توسعه ای.
 - 3- مرحله سوم: سازوکار استخراج الگوی مطلوب؛ اصول ارزش داورانه راهبردی از مبانی فلسفه اسلامی:
 - 1-3- فرایندهای استخراج اصول راهبردی فرهنگی از مبانی یاد شده؛
 - 1-1-3- فرایندهای کل فلسفه اسلامی در به دست دادن اصول راهبردی فرهنگی؛
 - 2-1-3- فرایندهای جزء فلسفه اسلامی در به دست دهی منظور مورد نظر؛
 - 2-3- روش شناسی چند بعدی استخراج اصول ارزش داورانه از مبانی فلسفی:
 - 1-2-3- روش شناسی تحلیل مضمون؛
 - 2-2-3- روش شناسی قیاس عملی؛
 - 3-2-3- روش شناسی استنباطی؛
 - 4-2-3- روش شناسی سیستمی؛
 - 5-2-3- روش شناسی آینده نگاری.

شیوه کار بدین صورت خواهد بود که در آغاز هر بخش اجمالی از فضای فصل ارائه می گردد، سپس به تحلیل هر قسمت پرداخته خواهد شد و در گام نهایی نیز جمع بندی مفهومی فصل تقدیم خواهد شد.

1- کلیات

در نمای اجمالی از نظریه پردازی سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی، به مثابه عرصه جدیدی در پژوهش های فلسفی و دینی، کلیات با مدد از بیان مسئله، پیشینه، اهمیت و ضرورت و ...، عهده دار تبیین چارچوب اولیه عنوان پژوهش خواهد بود.

1-1- بیان مسأله

1-1-1- تشریح ابعاد و حدود مسأله و معرفی دقیق آن

حوزه معارف درون دینی و بین حوزه ای با دیگر علوم انسانی چونان دانش فلسفه اسلامی و معارف مبنا، محور پاسخ گویی به مسئله های نوبه نوشونده عرصه پیشرفت، حیات و به طور خاص عرصه مدیریت دین شناخت فرهنگ پیشرفت و پیشرفت فرهنگی است. تجربه های معاصر مدیریت راهبردی در نظام جمهوری اسلامی اولویت بسیاری از این چالش ها و مسئله ها را پیش روی دو نهاد مدیریت دانش و نهاد مدیریت پیشرفت، را معین و متفح نموده است که از زمره راهبردی ترین آن ها موضوع الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی به عنوان برترین رکن نظام جمهوری اسلامی دیده و ابلاغ گردیده است. نظام مدیریت راهبردی و به طور خاص نظام ولایت فقیه درآموزه های اسلامی، نظامی مبتنی بر مجموعه ای از دانش ها و بینش های درون دینی معطوف به مدیریت پیشرفت همه جانبه پدیدار انسانی است که در نقطه کانونی آن منصرف به نظام مدیریت راهبردی فرهنگی است. منطق و روش شناسی و معرفت شناسی حاکم بر مدیریت عرصه های اقتصاد، سیاست، امنیت و دفاع وامدار این کانون فرهنگ شناخت است. در این میان نهاد دانش بین حوزه ای علوم انسانی، اصلی ترین پاسخ گوی این قسم از مسئله-

هاست، بدین سان پرسش از الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی پیشروی حوزه‌های گوناگون معارف اسلامی از جمله فلسفه اسلامی به گونه‌ای تخصصی ضرورت می‌یابد. از منظر مسئله-پژوهی دانش پیشرفت فرهنگی از جمله مسائل پیشرو موضوع «سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی» است.

کوشایی بر دستیابی به چشم‌انداز و نگره دین‌شناخت به مبانی فلسفه مدیریت راهبردی فرهنگی، به مثابه فصلی تازه، در عرصه فلسفه اسلامی، به همراه معرفی و تبیین فرایند و روشی متقن و اتکاپذیر در استخراج اصول ارزش‌داورانه از مبانی فلسفه دین‌شناخت، هدف اصلی این پژوهش است.

تحقیق و بررسی حاکی از آن است که الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی چونان هر الگوی مدیریت راهبردی دیگری شامل سه سطح تحلیلی مبانی نظری، اصول ارزش‌داورانه، و اصول راهبردی و مدیریت تحقیق و توسعه‌ای می‌باشد¹، شایان ذکر است که به مدد فلسفه اسلامی می‌توان مبانی نظری چنین الگویی را به داوری نشست، تحلیل نمود و متناسب با مبانی اعتقادی خود و عصر حاضر، آن را منقح نمود، به دیگر بیان، در جامعه معاصر اسلامی ایرانی یکی از عظیم‌ترین منابع نظری برای استخراج این پایه‌های نظری و پارادایمی و تجربی، فلسفه اسلامی مطلوب خواهد بود، فلسفه‌ای که با گذار از مباحث وجودشناسی مدد دیگر حوزه‌های فکر دینی به بسط نگره خویش پردازد.

در گامی پس از تدوین مبانی، سؤال اساسی این است که آیا مقذور است مبانی نظری و همچنین اصول مطلوب ارزش‌داورانه، نظام مطلوب، از فلسفه اسلامی موجود استخراج گردد. مقصود از اصول یاد شده، ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای عرصه فرهنگ است که ذیل نظام فرهنگی شکل می‌گیرد، به تعبیر دیگر منظومه ارزش‌ها که با تأکید بر ارزش‌های مخدوم، چونان اصل ارزشی عدالت، ایثار، فتوت، مروت و مودت اجتماعی در بخش فرهنگی، که

1. احمد آکوچکیان، الگوی فلسفه هنجارین مدیریت راهبردی فرهنگی در نظام ج.ا.ا.، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه، 1394، صص 78-54.

وامدار مبانی نظری خویش می‌باشند.

با اهتمام به عنوان تحمیلی پایان‌نامه چنین برمی‌آید تصور پژوهش حاضر بر این است که تعالیم فلسفه موجود اسلامی می‌تواند افزون بر استنباط مبانی نظری الگو، مستند اصول ارزش‌دورانه این الگو نیز باشد، در حالی که محقق محترم بر این باور است که فلسفه اسلامی موجود یارای استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی را ندارد از این روی چنین سازوکاری حاجتمند فلسفه مطلوب می‌باشد. در این راستا با عنایت به جامعیت واژه سازوکار از فرایند و روش، عنوان این پژوهش بدین صورت منقح خواهد گشت که در طی چه فرایندی و با کدامین روش، اصول ارزش‌دورانه نظام مطلوب فرهنگی از منابع فلسفی صورت خواهد پذیرفت.

به هر ترتیب ضرورت شکل‌گیری مبانی فلسفی مدیریت راهبردی فرهنگی به طور عام و مبانی فلسفه دینی مدیریت راهبردی فرهنگی به طور خاص بر اندیشمندان این حوزه پوشیده نیست. از این روی دست‌یابی به این مبانی نظری به منظور گذار از آن مهم و دست‌یابی به اصول مدیریت راهبردی فرهنگی به منظور پردازش الگوی نظام مطلوب فرهنگی و تفصیل‌دهی فصل فرهنگ‌شناخت مبانی فلسفه اسلامی رویکردی حائز اهمیت است که پژوهش حاضر به مدد روش‌شناسی استنتاجی و استنباطی بر آن است تا چنین سازوکاری را به سامان تحلیل رساند.

1-1-2- بیان جنبه‌های مجهول و مبهم و متغیرهای مربوط به پرسش‌های تحقیق

با برآمدن ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اکنون به روشنی مجموعه کوشش‌های اندیشه‌ای و پژوهشی در عرصه نظریه‌پردازی و الگوپردازی در باب مدیریت راهبردی فرهنگی و سطوح گوناگون آن چونان مبانی نظری سامان بیشتری یافته است، که البته با این وجود نیز همچنان بی‌پیشینگی سازوکار استخراج اصول از مبانی فلسفی به قوت خویش باقی است. اینک می‌توان به تاریخچه تکامل نظریه‌پردازی در این عرصه اهتمام معین‌تری داشت.

پژوهش‌های سامان یافته در شورای عالی انقلاب فرهنگی، پژوهشکده پیوستار فرهنگی برخی نهادهای پژوهشی دانشگاهی و پژوهشگران عرصه فرهنگ نقطه‌های گذار قابل تأملی را

به دست داده‌اند همچنین در عرصه مدیریت راهبردی فرهنگی نیز تلاش‌هایی توسط برخی مجامع دانشی صورت گرفته است که اجمال آن پیش روست:

1- اهتمام نظر به مبانی فلسفه فرهنگ به گونه‌ای روشمندتر و سازواره‌تر در دستور تحلیل برخی اهل نظر^۱ است؛

2- ضرورت تدوین پیوستار فرهنگی برای قوانین و نظام برنامه توسعه ملی^۲؛

3- پیوستگی ایده مدیریت فرهنگی با مقوله تفکر و برنامه‌ریزی راهبردی منجر به پردازش یا باز مهندسی تحقیق و توسعه فرهنگی می‌شود^۳؛

4- نگرش به کلیت درون‌زای مدیریت دین‌شناخت راهبردی فرهنگی از حوزه نظر به اقدام راهبردی فرهنگی در آثار و بیانات دو رهبری ارجمند نظام ج.ا.ا. ناظر به موضوعات مختلف فرهنگی و مهندسی فرهنگی مشهود است^۴؛

5- ضرورت پژوهش‌های تحقیق و توسعه‌ای ناظر به آینده‌پژوهی نظام و قوانین حاکم بر آن تدوین برخی از کتب و مقالات را از سوی دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی موجب شده است؛

6- ضرورت اهتمام به امر خطیر تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سوی مرکز الگو به موجب کنفرانس‌های قابل توجه، این عرصه را به مشورت نخبگان قرار داده است که

1. ن.ک. به: <http://rashad.iict.ac.ir>, 1394/4/20. ن. ک. به: علی اصغر مصلح، ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و فلسفه فرهنگ، چاپ اول، تهران، روزگار نو، 1392.

2. ن. ک. به: حسن بنیانیان، پیوست فرهنگی (ضرورت‌های وجودی، راهکارها و فرایندهای تدوین)، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1390.

3. ن. ک. به: اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجموعه مقالات پنج جلدی همایش ملی مهندسی فرهنگی، چاپ اول، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1386؛ ن.ک. به: مهدی ناظمی اردکانی، مهندسی فرهنگی نظام مدیریت راهبردی کشور، چاپ اول، تهران، کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی و دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1390.

4. ن.ک. به: محمدحسن جعفرزاده، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ اول، قم، ولاء منتظر(عج)، 1392.

مقالات معطوف به مقوله فرهنگ و مهندسی فرهنگ - فرهنگی نیز به مدد نهاد مذکور بخشی از این مهم را شامل می شود؛

7- شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در این میان مشارکت شایسته ای داشته است از جمله به مدد برگزاری سلسله نشست های و همایش های به مطالعات تطبیقی مبحث فرهنگ در میان آموزه های دین شناخت و مکاتب برون دینی فرهنگ اهتمام ورزیده، که به یاری آن ها می توان به تصویر عمومی از سامانه کلان گر نظریه مدیریت راهبردی فرهنگ دست یافت.

از جمله جنبه های مجهول در این عرصه تحقیقاتی ضعف های چشمگیر قابلیت های فلسفه اسلامی موجود است، که پژوهش هایی از این قبیل را به سمت فلسفه اسلامی مطلوب و فلسفه های مضاف رهنمون می سازد. همچنین مجدد بیان می گردد که ضمن تحقیقات و پژوهش های انجام شده مطالبی چونان تبیین برخی از مبانی نظری و یا اشاراتی به الگوی مطلوب و اصول ارزش داورانه و بخش های گوناگون مدیریت راهبردی فرهنگی یافت خواهد شد که هر یک به نوبه خود به بخشی از عناوین این پروژه ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارد اما با این حال پژوهش مستقلی که سازوکار استخراج اصول ارزش داورانه و نظام مطلوب را از مبانی فلسفه اسلامی را به تبیین نشسته باشد، در دست نمی باشد اما بی پیشینگی این بحث از اهمیت آن نخواهد کاست.

1-2- سؤال اصلی

هر پژوهشی به دنبال پاسخ گویی به یک یا چند مجموعه ای از پرسش هاست. این پرسش ها در یک تقسیم بندی به پرسش اصلی و پرسش های فرعی تقسیم می شوند.

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به یک سوال اصلی است:

سازوکار گذار از مبانی نظری (فلسفی) به الگوی ارزش داورانه مدیریت راهبردی فرهنگی در فرایند طراحی الگوی مدیریت آینده نگار راهبردی فرهنگی، مستند به تعلیم حکمت و فلسفه اسلامی، قرآنی و اولیایی، کدام است؟

1-3- سوالات فرعی

اما پرسش‌های فرعی این پژوهش که در مجموع پاسخ‌گوی پرسش اصلی می‌باشند عبارتند از:

- 1-3-1 آیا فلسفه اسلامی قابلیت به دست دادن اصول عام مدیریت راهبردی را دارد؟
- 2-3-1 دست‌یابی به مبانی نظری الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی در تعالیم فلسفه اسلامی چگونه است؟
- 3-3-1 الگوی ارزشی - وضعیت مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی و جایگاه اصول ارزش‌دورانه فرهنگی در آن کدام است؟

1-4- اهمیت و فایده تحقیق

تحقیق پیشنهادی از وجه نظر استدلالی و ایجابی مورد توجه و تحلیل است که اهمیت تحقیق، بیان این وجه نظر است و از وجه نظر سلبی، که بیان ضرورت تحقیق است، اهمیت این تحقیق را می‌توان این‌گونه بیان کرد که:

- 1-4-1 به منظور دفاع از الگوی مطلوب بایستی توجیه نظری داشت، همچنین تبیین توجیه فلسفی بسیاری از مختصات فرهنگی در راستای پژوهش‌های دینی از اهمیت این تحقیق به شمار می‌رود.
- 2-4-1 پردازش نظام فرهنگی اسلامی و در راستای آن پردازش الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی در نظام آموزه‌های اسلامی و ناگزیر مبانی فلسفه دینی.

1-5- ضرورت تحقیق

- تحقیق پیشنهادی از وجه نظر سلبی (پیامدهای عدم انجام آن) و کاربردی (توجه به آثار فواید اجرای تحقیق پیشنهادی) دارای ضرورت‌های قابل توجهی می‌باشد:
- 1-5-1 ضرورت تبیین کارآمدی اندیشه فلسفه اسلامی در راستای ضرورت اهتمام به اقتدار دین و توسعه فکر دینی.

1-5-2_ عدم اعتنا به تبیین و تعیین مبانی فلسفه دینی ناظر به مدیریت راهبردی فرهنگی از سویی، بخشی از آموزه‌های اسلامی را در عرصه فرهنگ دچار ابهام و غفلت می-نماید.

1-5-3_ ضرورت پردازش تحلیلی وجه فرهنگی نظریه مدیریت دین شناخت پیشرفت.
1-5-4_ تدوین اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران چون سند نقشه مهندسی فرهنگی نشانی گران است که در فصل بیان بینشی - ارزشی بایستی به مباحثی چون مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی و مبانی ارزش‌شناسی و روش‌شناسی الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی توجه نمود.

1-6- پیشینه تحقیق

با عنایت به اینکه مدیریت راهبردی معطوف به بالاترین رده مدیریتی یک جامعه می-باشد با تعیین اهداف خود وجه تمایز یک جامعه را با سایرین مشخص می‌سازد. مدیریت راهبردی فرهنگی به این مفهوم که مدیریت راهبردی با رویکردی فرهنگی است، اهداف را بر اساس همین رویکرد تعیین می‌نماید که چنین مطلبی با توجه به فرهنگ الهی و انسانی جمهوری اسلامی ایران موجب تفاوت چشمگیر این نوع مدیریت در جامعه ایرانی با سایر جوامع خواهد شد. از این رو در عرصه مدیریت راهبردی فرهنگی تلاش‌هایی صورت گرفته است که برخی مجامع دانشی مانند کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه عالی دفاع ملی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) و برخی اندیشمندان دیگر، در سال‌های اخیر دارای پژوهش‌ها و تألیفات قابل توجه‌ای در این زمینه می‌باشند که اجمال آن پیش روست.¹

موضوع سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی،

1. برای تفصیل آن مراجعه شود به ضمیمه.

موضوع تازه پژوهی است که به گونه‌ای مستقیم و معین اثری معین درباره آن تدوین نشده است. کوشش این تحقیق در گام آغازین این تحقیق، در تکاپوی دو دسته اثر در کتاب و مقالات، برای ورود به حوزه عمومی این تحقیق است:

1- آثاری در حوزه مدیریت راهبردی

2- آثاری در حوزه مدیریت فرهنگی

1-6-1- پیشنهاد در کتاب

1-1-6-1- همچنین در سال‌های اخیر کتاب‌هایی درباره مدیریت راهبردی به طور عام و مدیریت راهبردی فرهنگی به طور خاص و فرهنگ مدون شده است که می‌توان به صورت زیر تقسیم نمود:

کتاب ناظر به مقوله مدیریت راهبردی به طور عام:

آثاری در حوزه تخصصی مدیریت راهبردی به طور عام مانند کتاب مدیریت راهبردی نوشته دکتر ابراهیم حسن بیگی. این کتاب با تأکید بر مباحث عام مدیریت راهبردی، در فصل پنجم به طور خاص تفکر راهبردی و در فصل ششم نیز برنامه‌ریزی راهبردی مورد مذاقه واقع شده است که می‌تواند یاری‌گر خوبی در ابعاد مختلف بحث حاضر باشد.¹

و آثاری در عرصه مدیریت راهبردی با رویکرد به ابعاد خاصی از آن:

در نوع مباحث تخصصی مدیریت اجتماعی چون بعد انسانی، نظامی یا رویکرد این نوع مدیریت در عرصه تجارت و بازرگانی، در پیشینه نظری این تحقیق، قابل دسترس‌اند که غفلت از دیگر ابعاد موجب کاستی در این روند خواهد شد. به مهم‌ترین نمونه‌های این دسته آثار، در ضمیمه این طرح اشاره شده است.

و از جمله با گرایش عمومی به مقوله مدیریت راهبردی فرهنگ مانند کتاب دیپلماسی

1. ن. ک. به: ابراهیم حسن بیگی، مدیریت راهبردی، تهران، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول، 1390.

فرهنگی نوشته رضا صالحی امیری و سعید محمدی: این اثر در پنج فصل به بحث دیپلماسی فرهنگی پرداخته است که ضمن تبیین آن به عنوان تلاشی برای درک، آگاهی، مشارکت و تأثیر بر افکار عمومی نهادها، سازمان‌ها و دولت‌های سایر کشورهاست. فصل چهارم بحث مهم مدیریت فرهنگی در حوزه دیپلماسی فرهنگی تأکید دارد. و در فصل پنجم مدلی برای دیپلماسی فرهنگی و راهبردها ارائه شده است.^۱ و نیز کتاب فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی: این کتاب شامل مقالات همایش فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس عمومی و انقلاب اسلامی است که در آن به مباحثات و مناظرات مربوط به تحولات جدید ایران ناظر به اعتماد به نفس ملی، مطرح گردیده است و در این راستا بحث‌هایی چون چیستی فرهنگ عمومی و ارتباط آن با اعتماد به نفس ملی، بیان شده است. از جمله مقالات مرتبط با بحث حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در فصل دهم این کتاب مقاله‌ای از دکتر سید سعید زاهد زاهدانی با عنوان اعتماد به نفس ملی و فرهنگ عمومی بیان شده است، که نویسنده در این مقاله به مسائلی چون مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، فرهنگ، الگوی فرهنگ، انقلاب اسلامی عرصه تقابل دو فرهنگ، فرهنگ پشتیبان نظام شاهنشاهی، فرهنگ حاکم بر انقلاب اسلامی پرداخته است. در این ادامه باید توجه داشت که این مقاله به مشکل عدم تولید فرهنگ اسلامی به خصوص لایه فرهنگ تخصصی اشاره دارد.

مقاله‌ای از علی جعفری با عنوان اندیشه‌های جامعه‌شناختی امام خمینی (ره) در خصوص فرهنگ ایرانی، بررسی مؤلفه‌ها، عوامل و راهکارهای عبور از غرب‌زدگی در فصل سیزدهم کتاب آمده است که در آن بر بسیاری از دیدگاه‌های رهبر کبیر انقلاب در زمینه مزبور اشاره شده است.^۲

1. ن. ک. به: رضا صالحی امیری و سعید محمدی، دیپلماسی فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ققنوس، 1392.
2. ن. ک. به: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، 1389.

1-6-1-2_ آثاری نیز با رویکرد عام به حوزه فرهنگ پژوهش‌هایی انجام دادند، البته با توجه به نوپا بودن بحث فرهنگ به عنوان بحثی مستقل می‌توان آن را در ضمن کتاب‌های جامعه‌شناسی نیز یافت در این راستا ابتدا به بیان کتب مستقل در این زمینه پرداخته از جمله: با گرایش عام علم‌الاجتماعی به مقوله فرهنگ مانند کتاب جامعه‌شناسی، نوشته آنتونی گیدنز: این کتاب دارای هفت بخش است، که بخش دوم تحت عنوان فرهنگ و جامعه؛ به بررسی مفهوم فرهنگ، گوناگونی فرهنگ‌ها و ... پرداخته شده است^۱ و یا کتاب با زمینه جامعه‌شناسی تألیف آگ برن و نیم کوف که در فصل پنجم به بررسی جامعه و فرهنگ آن پرداخته شده است.

با گرایش تخصصی به مباحث فرهنگی معاصر مانند کتاب درآمدی به نظریه فرهنگی معاصر، نوشته آندرو میلنر برایت: این کتاب در هفت بخش تدوین شده است که بخش اول این کتاب را مطالعات فرهنگی و نظریه فرهنگی تشکیل می‌دهد.^۲

با گرایش تخصصی میان‌رشته‌ای فرهنگ و تمدن مانند: کتاب فرهنگ و تمدن، نوشته چنگیز پهلوان: این کتاب نیز ضمن بررسی تعاریف فرهنگ و تمدن، چستی دو مقوله یاد شده، نقد و سنجش اندیشه‌هایی متفاوت، همسو و مخالف را در این دو محور هدف می‌گیرد.^۳

با گرایش تخصصی آسیب‌شناختی مانند: کتاب آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران، نوشته دکتر سیدرضا صالحی‌امیری: این کتاب در چهار بخش در پی پاسخ به این سؤال است که اساساً نظام فرهنگی ایران با چه آسیب‌هایی مواجه است و راه‌های کاهش آسیب یا تبدیل آن به فرصت‌ها کدام است.^۴

1. ن. ک. به: آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1373.

2. ن. ک. به: آندرو میلنر، و جف برایت، درآمدی به نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، چاپ اول، تهران، ققنوس، 1385.

3. ن. ک. به: چنگیز پهلوان، فرهنگ و تمدن، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1388.

4. ن. ک. به: رضا، صالحی‌امیری، آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران، ققنوس، 1392.

با گرایش تخصصی به برخی مباحث نظری و مبنایی فرهنگ مانند کتاب انسان‌شناسی فرهنگی، نوشته دانیل بیتس: هدف این کتاب نمایش انواع گوناگون تطبیق‌های جوامع بشری با محیط زیست‌های متفاوت‌شان در قالب الگوهای مختلف فرهنگی‌شان است. همچنین در این کتاب به آشنایی فرهنگ‌های گوناگون بشری، نمایان شدن ابعاد تازه‌ای از رفتار فرهنگی انسان پرداخته شده است.¹

کتاب تلاشی در تبیین اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و وجه نظری مسئله راهبری تحول و مدیریت دین‌شناخت پیشرفت است که بالمآل می‌تواند به گونه‌ای نظری - کاربردی به بازسامانی نقشه جامع علم و به طور خاص از سویی نظام ملی تولید دانش دینی و سامانه مدیریت ملی و به طور خاص الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نیز نظام ولایت فقیه، دست دهد. یک بهره راهبردی این پژوهش، پاسخ به مشکل دوگانه فهم دین و فهم سیاست (و به تعبیری دیگر دین و دولت) و در این راستا، شناخت منطق و الگوی برون‌شوی از ذهن دوگانه اندیش و دوباره انسان مسلمان معاصر مبتلا به بحران معنی در امر سیاسی است که در مجال دیگری بدان پرداخته می‌شود. بدین گونه تبیین ملازمه دین و مدیریت، خاستگاه تبیین ملازمه دین و فرهنگ، دین و سیاست، دین و اقتصاد، دین و امنیت و دفاع، دیده می‌شود. در این چشم‌انداز اقتدار توسعه‌ای علم، لزوماً ملازمه‌ای با اقتدارگرایی در سنت سیاسی مسلمانان و چالشی با تازه‌شدگی (مدرنیته) درون‌زای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ندارد. ولایت‌مندی اندیشه دین - شناخت پیشرفت (تفقه در دین)، نشانه اقتدار توسعه‌ای آن است و نه اقتدارگرایی آن و بلکه مجال جریان عقلانیت جامع در نسبت با شریعت را تمکین نموده و نسبت اسلام با عقل اجتماعی یا دموکراسی و توزیع فاعلان اقتضایی مدیریت آینده‌نگار راهبردی را تمهید می‌کند.

لُبّ «نظریه پیشرفت»، یک مدل مفهومی از سطح مبانی نظری - پارادایمی تا نظام‌های وضعیت مطلوب و تا سطوح کاربردی و برنامه‌ای تحقیق و توسعه‌ای است. این مدل سه لایه -

1. ن. ک. به: دانیل بیتس و فرد پلاگ، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران، علمی، 1386.

ای آشکارگر این اعتقاد است که یک نظریه کارآمد درباره جامعه و مدیریت فرآیندهای تغییر اجتماعی و بدینسان سازوکار پیشرفت، باید نگرش‌ها، روش‌ها و مسائلی را که در سطح مبانی نظری و پارادایمی در نظر گرفته می‌شود، با دستاوردهای دانش‌های بین‌رشته‌ای علوم انسانی - اجتماعی تجربی به گفتگوی انتقادی و دادوستد بین‌دانشی و بین‌رشته‌ای بگذارد. مباحث پایه بیشتر دارای وجوه نظری‌تر و مباحث حوزه تحقیق و توسعه به موضوعات جامعه‌شناختی‌تر بازمی‌گردند.¹

و نیز کتاب الگوی معیار رشد با سوره حدید نوشته دکتر احمد آکوچکیان:

کتاب بر آن است نظریه‌پردازی پیشرفت، بنیان الگوپردازی پیشرفت است. مطالعات قرآن‌شناخت پیشرفت، از همین‌رو ضرورت بنیادین خویش را آشکار می‌سازد و یکی از زمره برجسته‌ترین بسته‌های دانشی تبیین این نظریه، سوره حدید است. به این قرار به نظر می‌رسد پژوهشی از قسم پژوهش پیشنهادی در سوره حدید با جریان در دو نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی می‌تواند از جمله به بازسامانی علوم انسانی و حوزه‌های میان‌رشته‌ای مدد رسانیده و به پردازش نظریه‌های کاربردی در حوزه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و در نهایت نقشه جامع علمی بینجامد. سوره حدید، مفصل و میدان تحلیل واسطه‌ای برای این اهتمام بنیادین است.²

3-1-6-1- کتب خاص نگر به مقوله مدیریت راهبردی فرهنگی با ملاحظه کارکرد علوم

انسانی که با اندکی تفصیل معرفی می‌گردد:

با نگرش بیرون دینی به مقوله مدیریت راهبردی فرهنگی؛ مانند کتاب مطالعات فرهنگی، اثر کریس بارکر: اثر حاضر مطالعات فرهنگی را به بحث می‌گذارد و در طی چهار بخش به تبیین این مهم پرداخته است. در ادامه بخش چهارم به عرصه‌های مطالعات فرهنگی پرداخته است، در همین بخش است که نگارنده به برخی از اصول در این عرصه اشاره می‌کند و

1. احمد آکوچکیان و همکاران، الگوی راهبری تحول.

2. همان، الگوی معیار رشد با سوره حدید.

سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی به عنوان یک اصل مهم بیان شده است. به رغم نکات مثبت این اثر بیان این نکته حائز اهمیت است که مباحث کتاب عمدتاً با عطف توجه به دانش غربی آن صورت گرفته است، از این رو مباحث این حوزه به شدت به مبانی فرهنگی سرزمین و مردم مورد مطالعه بستگی دارد لذا تعاملات فرهنگی قلمروهای مختلف و نیز اصول انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، معرفت‌شناخت آن‌ها کاملاً متفاوت از هم است. با عنایت به مطالب بیان شده روشن می‌گردد دانش مطالعات فرهنگی در کشور ما، دانشی نوپا و در نتیجه نیازمند تمرکز جدی و بومی‌سازی ابعاد مختلف، از جمله مبانی فلسفی، اصول و فرایند تعامل این دو با یکدیگر می‌باشد.^۱

با نگرش بیرون دینی به جریان مبانی نظری به عرصه مدیریت فرهنگی؛ مانند کتاب نظریه و روش فرهنگی، نوشته آندرو تودور: کتاب حاضر به نقش ساختارگرایی در شکل‌گیری مطالعات فرهنگی معاصر تأکید می‌کند، و در طی چندین عنوان به بسط آن پرداخته است. این کتاب هر قدر که در شرح نظریه مطالعات فرهنگی و تشریح برخی جریانات در آن موفق است در تشریح روش کار مطالعات فرهنگی موفقیت چندانی ندارد. واقعیت این است که کتاب تودور علی‌رغم آن که عنوان فرهنگی نظریه و روش مطالعات فرهنگی را با خود یدک می‌کشد اما از حد نقد و بررسی برخی مفروضات معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مطالعات فرهنگی فراتر نمی‌رود و این امر خود پژوهشی گسترده‌تر در حوزه مبانی فلسفی، اصول و سازوکار استخراج مبانی از اصول را توصیه می‌نماید.^۲

با گرایش کل‌نگر:

به کلیت درون‌زای مدیریت دین‌شناخت راهبردی فرهنگی از حوزه نظر به اقدام

-
۱. ن. ک. به: کریس بارکر، **مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)**، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، 1391.
 ۲. ن. ک. به: آندرو تودور، **نظریه و روش در مطالعات فرهنگی**، ترجمه فاطمه براتلو، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1392.

راهبردی فرهنگی مانند کتاب منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله عالی)، به تحریر محمدحسن جعفرزاده: این اثر می تواند فرمایشات حضرت آیت الله خامنه‌ای (دام عزه) را در گذار از مبانی نظری فرهنگ به حوزه مدیریت فرهنگی نشان دهد که در بخش اول به حوزه عام فرهنگ پرداخته شده است و مؤلفه‌های عام فرهنگی چون شناخت‌شناسی فرهنگ انقلاب و ضرورت توسعه فرهنگی اهداف، چشم اندازه‌ها، اصول و سیاست‌های فرهنگی کشور و موانع و راهکارهای توسعه فرهنگی در این بخش ارائه شده است. بخش دوم و سوم این کتاب به ترتیب به رابطه فرهنگ با حوزه و دانشگاه و حکومت می‌پردازد. بخش پنجم و نهمی کتاب به فرهنگ عمومی و تبیین موضوعات مطرح در این بعد از فرهنگ کشور اختصاص دارد. با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب در رابطه با موضوعات مختلف فرهنگی و مهندسی فرهنگی، این امر قابل استنباط است که بحث مورد نظر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اثر یاد شده به این امر توجه شایانی داشته است لذا می‌توان با یاری گرفتن از تبیین‌های گردآوری شده در این کتاب به مبانی و اصول صحیحی در این راستا دست یافت. همچنین درسنامه اندیشه پیشرفت‌شناخت مدنیت فرهنگی نظام در جهان معاصر اسلامی - ایرانی نوشته دکتر احمد آکوچکیان:

کتاب در راستای پردازش نظریه «مدنیت انبیایی - اوصیایی حکمت - عدالت‌بنیاد» ذیل عنوان «نظریه جمهوری اسلامی» با گذار از مطالعه موردی دستاوردهای چهاردهه انقلاب اسلامی و جنبش مدنی جهان معاصر ایرانی، رویکردی تحقیق و توسعه‌ای و کارآمد بخش دارد. در راستای پرداخت الگوی پیشرفت (رشد - توسعه‌ای) اسلامی - ایرانی و به تعبیری تحلیلی‌تر، «مدیریت دین‌شناختی راهبردی تحقیق و توسعه تفقه‌در دین‌بنیاد»، می‌توان به جمع‌بندی الگوی مزبور دست یافت. بازپردازش تاریخ اندیشه پیشرفت، اندیشه مدنی و اندیشه فرهنگی و ایده مهندسی تحقیق و توسعه فرهنگی، در همین دوره و نیز آرای دو دوره رهبری نظام جمهوری اسلامی از چشم‌انداز منطق انقلاب اجتماعی و مدیریت راهبردی، مستند به همین گفتمان مدیریت تحقیق و توسعه‌ای حکمت‌بنیاد و نیز نظریه اقتدار عدالت بنیان قرآنی -

نبوی و علوی، انجام‌پذیر است. اندیشه مدیریت راهبردی پیشرفت (از جمله فرهنگ - فرهنگی) با همین زاویه دید و در قواره دوره دکتری در نظام ملی علوم، تحقیقات و فناوری تعبیه می‌شود.^۱

و نیز کتاب مبانی و اصول الگوی پاسداشت میراث فرهنگی به نگارش احمد آکوچکیان: این پژوهش به دنبال دست‌یابی به «مبانی و اصول الگوی آینده‌نگار راهبردی اسلامی - ایرانی پاسداشت میراث فرهنگی ج.ا.ا.» مستند به نظریه (مبانی و اصول ارزش‌داورانه) و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به مثابه هدف اصلی است. رویکرد به نظریه اسلامی - ایرانی (شامل مبانی بینشی و اصول ارزشی) پیشرفت به مثابه زیرساز نظری - ارزشی پردازش الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، تبیین چارچوبه کلان مدل اسلامی - ایرانی (شامل مبانی و اصول ارزش‌داورانه) آینده‌نگاری راهبردی برای بازخوانی نگرش به ایده مدیریت راهبردی میراث فرهنگی و گذار از رویکرد جزءنگر و صرف حفاظتی به رویکرد معرفت‌شناخت و ارزش‌داورانه «پاسداشت میراث فرهنگی، دست‌یابی به مبانی بینشی و اصول ارزشی مدیریت راهبردی آینده‌نگار فرهنگی با نظر به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در راستای نگرش آینده پژوه و اصول حاکم بر ترسیم افق آینده در نظام مدیریت اسلامی - ایرانی پیشرفت در بهره‌وری از ظرفیت عظیم میراث فرهنگی کشور با ملاحظه اسناد برجسته دکترین نظام ج.ا.ا. (سند جامع علمی، سند جامع مهندسی فرهنگی و سند جامع تعلیم و تربیت) و پیشنهاد فرایند و نقشه راه (گام‌های عملی) تحقق آینده‌نگاری راهبردی اسلامی - ایرانی پاسداشت میراث فرهنگی کشور از دیگر اهداف راهبردی این کتاب معرفی گردیده است.^۲

و نیز کتاب: مهندسی و مدیریت فرهنگی، نوشته مهدی نیلی پور: این مجموعه در سه جلد در موضوع مدیریت فرهنگی با موضوعات سازمان و سازمان‌دهی (جلد اول)، محتوای

1. احمد آکوچکیان، درسنامه الگوی مدنیت فرهنگی، چاپ اول، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، 1393.
2. همان، مبانی و اصول الگوی پاسداشت میراث فرهنگی، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، 1394.

فرهنگی (جلد دوم)، و شیوه‌های فرهنگی (جلد سوم) با استفاده از منابع اصیل دینی چون قرآن کریم، سخن گهربار اهل بیت (علیهم السلام) و مباحث علمی مدیریتی و تجارب چندین ساله نویسنده در حوزه مباحث فرهنگی است.¹

و نظام‌واره به الگوی راهبرد تحقق اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق 1404، نوشته دکتر عبدالله مبینی دهکردی، این کتاب نیز ذیل سه فصل کوشیده است راهبردهای مناسب تحقق اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در افق 1404 ارائه کند و مسأله فقدان مدیریت راهبردی و انسجام‌بخش، برای رفع چالش‌های فرهنگی آینده (چشم انداز 1404) جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی را مورد بررسی قرار دهد.² و برآیند نگرش به نظام اقدامات راهبردی ملی مانند کتاب پیوست فرهنگی (ضرورت وجودی، راهکارها و فرایندهای تدوین)، نوشته دکتر حسن بنیانیان: این کتاب موضوع چستی، ضرورت، آثار و برکات پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم را در مباحث عام و کلی برای همه سیاست‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها در همه بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است.

با گرایش به تدریج تخصصی و درونزای مدیریت راهبردی فرهنگی کارکرد حوزه نظر و به طور خاص فلسفه مضاف فرهنگی در اقدام راهبردی فرهنگی، کتاب درآمدی بر روش شناسی مطالعات فرهنگی نوشته حسین میرایی و وحید طلوعی: کتاب حاضر مجموعه مقالات حاصل همایش روش‌شناسی مطالعات فرهنگی است، اثر مذکور در بیست مقاله به موضوع یاد شده تأکید می‌کند. کتاب درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی شامل تعدادی از مقالات در حوزه روش‌شناسی است که با توجه به گفتمان جهانی این حوزه سایر رشته‌ها و روش‌شناسی آن‌ها در این عرصه حضور دارند، از جمله این رشته‌های مرتبط با مطالعات فرهنگی

1. ن. ک. به: مهدی نیلی‌پور، مهندسی و مدیریت فرهنگی، چاپ اول، قم، سلسبیل، 1386.

2. ن. ک. به: عبدالله مبینی دهکردی، راهبرد تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران در افق 1404، چاپ اول، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، 1392.

فلسفه می باشد که تعدادی از مقالات را در حیطه خود گنجانده است.¹

4-1-6-1 در بخش ترکیب این دو امر مهم (مدیریت راهبردی و فرهنگ) نیز

پژوهش‌هایی صورت گرفته که از جمله آن‌ها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

با گرایش تخصصی و درونزای مهندسی تحقیق و توسعه فرهنگی از کارکرد عام حوزه نظر به اقدام راهبردی فرهنگی، مانند کتاب: الگوی فلسفه هنجارین مدیریت راهبردی فرهنگی در نظام ج.ا.ا. نوشته دکتر احمد آکوچکیان:

در پاسخ یک نظریه جامع مدیریت راهبردی فرهنگی بایستی دارای چه ساختار حداقلی منطقی باشد. مفهوم مدیریت راهبردی فرهنگی چیست و اقتضای چه ساختاری را دارد، نگاشته شده است. الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی فارغ از وجه ایدئولوژیک مبنای جهت بخش آن، دارای یک ساختار منطقی و تحلیلی و مستند به یک منظومه زبانی معین است. مدخل پیش‌رو این ساختار را مرور می کند تا در بخش‌های پیابند آن، سامان مضمونی آن و ساختار تفصیلی خودویژه آن معین گردد:

1- مبانی فلسفه و فرهنگ و فلسفه فرهنگ؛

2- مدیریت و مدیریت فرهنگ؛

3- آینده‌نگاری راهبردی و فرهنگ.²

و نیز کتاب: مهندسی فرهنگی، نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور نوشته دکتر مهدی ناظمی اردکانی: این کتاب در هفت فصل تدوین شده است که در فصل اول به بحث مدیریت راهبردی پرداخته شده است و در فصل دوم مدیریت راهبردی فرهنگی و بحث‌های مرتبط با آن هدف قرار گرفته است، در فصل سوم مدیریت راهبردی کشور و ارکان آن محور بحث است، فصل چهارم آسیب‌شناسی مدیریت نظام مدیریت راهبردی کشور، فصل پنجم کاستی-

1. ن. ک. به: حسین میرزایی و وحید طلوعی، درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، 1393.

2. احمد آکوچکیان، الگوی فلسفه هنجارین مدیریت راهبردی فرهنگی در نظام ج.ا.ا....

های آسیب‌زا در طرح ادغام شوراهاى عالی کشور، فصل ششم الزامات ساماندهی نظام مدیریت راهبردی فرهنگی و در آخر فصل هفتم نیز الزامات مهندسی فرهنگی به مذاقه قرار داده شده است.

و به طور خاص با گرایش تخصصی به مبانی استنباطی مدیریت راهبردی فرهنگی، مانند کتاب مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، نوشته دکتر محمدباقر بابایی: این کتاب در شش بخش تنظیم شده است که بخش چهارم آن به مبانی استراتژی فرهنگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداخته است. این کتاب با تأکید بر مفاهیم اصولی و ارزشی نهج البلاغه تألیف شده است.¹

5-1-6-1 و نیز اندیشمندان صاحب‌نظر و اثر در گذار از مبانی فلسفه اسلامی به مدیریت امر فرهنگ در حوزه فلسفه و فرهنگ که می‌تواند منبعی کاملاً کاربردی در تبیین چگونگی گذار از مبانی نظری به سطوح وضعیت مطلوب و کاربردی تلقی می‌شود، در این راستا با بررسی آثار فیلسوفان شاخص مسلمان می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

آرا و نظرات استاد علامه محمد تقی جعفری (ره): ایشان گرچه بحث حاضر را به طور مستقیم در مباحث خود اشاره نداشته است اما در ذیل تفسیر خطبه سی و دوم نهج البلاغه به بحثی در حیات معقول پرداخته‌اند که این بحث، می‌تواند بخشی از مبانی را از دیدگاه فلسفی ایشان به عنوان یک فیلسوف مسلمان روشن سازد، همچنین کتاب تکاپوگر اندیشه‌ها بسیاری از اندیشه‌های علامه جعفری (ره) و به طور خاص اندیشه‌های فلسفی ایشان را بیان می‌کند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.²

آرا و نظرات استاد شهید مطهری (ره): ایشان به عنوان یک اسلام‌شناس ژرف‌اندیش و متفکری که به بیشترین حوزه‌های علوم انسانی توجه داشته است، گرچه اثر مستقلى در این

1. ن. ک. به: محمدباقر بایائی طلائی، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ اول، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد عالی جنگ، 1384.

2. ن. ک. به: محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360.

زمینه به جا نگذاشته است اما در متن و حواشی برخی از آثارشان مانند مسئله حجاب و بحث- های مربوط به خدائشناسی و انسان‌شناسی می‌توان به مطالب مرتبط با فرهنگ دست یافت. البته کتاب نظریه فرهنگی استاد مطهری، نوشته مهدی جمشیدی سعی در سازماندهی این مطالب در یک ساختار منطقی و دقیق دارد.^۱

آرا و نظرات استاد علامه طباطبایی (ره): ایشان به عنوان یک فیلسوف علوم انسانی اسلامی، توانست باب جدیدی در تحول علوم انسانی معاصر مفتوح کند و با طرح مباحث معرفت‌شناختی و تبیین اعتباریات، فلسفه اجتماع و فلسفه انسان به صورت مستقل به فلسفه نوصدرایی دست یابد از این رو در ذیل برخی از مباحث چون تفسیر سوره بقره در تفسیر کبیر المیزان به نظریه‌های اجتماع و همچنین فرهنگ اشاره داشته‌اند. همچنین کتاب علامه طباطبایی فیلسوف علوم انسانی - اسلامی به کوشش عبدالحسین خسروپناه نیز به تبیین بسیاری از اندیشه‌های ایشان در ابعاد گوناگون پرداخته شده است.^۲

آرا و نظرات استاد آیت الله جوادی‌آملی (زید عزه): ایشان به عنوان یکی از چهره‌های برجسته عرصه فلسفه و تفسیر در بسیاری از آثار خود از جمله برخی مجلدات تفسیر تنسیم، جامعه در قرآن، معرفت‌شناسی در قرآن، فلسفه حقوق بشر، جامعه در قرآن، تفسیر انسان به انسان، انتظار بشر از دین، اسلام و محیط زیست، شریعت در آینه معرفت و ...، به بحث فرهنگ و بحث‌های مرتبط به آن پرداخته‌اند.

1-6-2- پیشنهاد در مقالات

مقالات مختلفی نیز در زمینه مدیریت راهبردی فرهنگی به نگارش درآمده است که می‌توان از مهم‌ترین آن‌ها به مقالات موجود در مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی

1. ن. ک. به: مهدی جمشیدی، نظریه فرهنگی استاد مطهری، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1393.

2. ن. ک. به: عبدالحسین خسروپناه، علامه طباطبایی فیلسوف علوم انسانی - اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1390.

فرهنگی، در پنج جلد اشاره نمود، در مجموعه مذکور برخی از مقالات با موضوع مورد نظر ارتباط بیش تری می یابد از جمله:

1-2-6-1- مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران نوشته حسن بنیانیان: در این مقاله سعی شده است که با عنایت به مباحث نظری متنوع که در موضوع فرهنگ و مدیریت آن مطرح است، ضمن استناد به نظریه های موجود، بحث بیشتر جنبه عملی یابد، البته پژوهش مذکور بحث در مبانی فلسفی و سازوکار تا به این مراحل عملی را با خود به همراه ندارد.

1-2-6-2- همچنین مقاله های چون مفهوم شناسی، اصول و ابعاد مهندسی فرهنگ نوشته دکتر عبدالعلی رضایی، الگویی برای دستیابی به مؤلفه های فرهنگی به نگارش مجید سلیمی، متدولوژی شش سیگما ابزاری توانمند و پویا در مهندسی فرهنگی، نوشته مجید مختاریان پور، ارائه متدولوژی مهندسی مجدد فرایندهای مدیریت کشور گردآوری شده توسط مجید صالح اولیا، مرتضی خاکزار بفرویی و آسیه ریاحی مدوار و راه کارهای مهندسی فرهنگی ایران به قلم افشین منتظر قائم هرکدام به بخشی از پژوهش حاضر نزدیک می باشند که کاستی هر کدام ارائه پژوهش جدیدی را توصیه می نماید.

1-2-6-3- مقاله مهندسی فرهنگی - از نظر تا عمل، نوشته دکتر حسن روحانی: در این مقاله به نظریه ملی فرهنگ، مبانی، چارچوب های نظری، برون دادهای مهندسی فرهنگ - فرهنگی و نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی تاکید شده است، همچنین مدل فرهنگی ارائه شده بر مبنای رشد و رحمت تحت عنوان (نظام رحمانی) می تواند به عنوان یکی از نظریات کمکی در چارچوب های نظری مورد استفاده قرار گیرد.¹

بررسی انتقادی و مقایسه ای مجموعه این پیشینه های پژوهشی، نشان گر کاستی های قابل توجه ای می باشد که خود راهنمای بسیار شایسته ای برای گذار به یک تحقیق تازه می باشد:

1- عدم توجه جامع به مبانی فلسفی مدیریت راهبردی فرهنگی در اکثر قریب به اتفاق

1. ن. ک. به: حسن روحانی، مهندسی فرهنگی از نظریه تا عمل، راهبرد، شماره 47، 1387.

آثار؛

2- بی توجهی محسوس به اصول مدیریت راهبردی در غالب آثار مذکور؛

3- عدم بیان مکانیزم یا سازوکار استخراج اصول از مبانی در غالب آثار؛

4- عدم بیان نوآوری‌های چشم‌گیر و راهکارها و اصول‌های کارآمد در عرصه فرهنگ و مبانی فلسفی از ویژگی مشترک غالب آراء ارائه شده می‌باشد، که پژوهش حاضر ضمن گذار انتقادی از آراء موجود، در پی ارائه مقوله جدیدی از این عرصه می‌باشد؛ که در این راه از نظرات پیشین نیز استفاده خواهد شد.

1-7- روش تجزیه و تحلیل

می‌توان روش این تحقیق را موردی و زمینه‌ای یا اکتشافی نام نهاد. همچنین به مدد کارایی روش‌شناسی در ارائه مدل چگونگی انجام اصول نظری در بستر پارادایمی خاص، روش‌شناسی فرایندهای استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی تبیین خواهد شد. در این راستا با در نظر گرفتن جامعه آرمانی به مثابه یک سیستم معنایی واحد همراه با برنامه‌ریزی راهبردی آینده‌نگار با گزاره‌های توصیفی و تجویزی، به مدد روش - شناسی قیاس عملی، آینده‌نگاری، سیستمی و استنباطی، روش‌شناسی مورد نظر روشن می‌گردد.

1-8- فرضیه‌های تحقیق

پژوهش در دستور انجام این پایان‌نامه، پژوهش اکتشافی است بدین‌سان انتظار طرح فرضیه‌ای در آغاز تحقیق ضرورتی ندارد و در طول تحقیق می‌توان به نگره‌های آغازینی دست یافت، بدین‌سان نگره‌های آغازین در میانه تحقیق به متن مباحث فصل اول افزوده گردیده است. درعین حال با اهتمام به موضوع پیشنهادی پژوهش، چند نگره آغازین می‌تواند مورد نظر باشد:

1-8-1- آموزه‌های فلسفه اسلامی قابلیت پردازش اصول‌الگوی مدیریت راهبردی

فرهنگی را دارد.

1-8-2_ فلسفه اسلامی قابلیت در به دست دادن اصول عام مدیریت راهبردی فرهنگی دارد.

1-8-3_ به مبانی نظری الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی در تعالیم فلسفه اسلامی می-توان دست یافت.

1-8-4_ فلسفه اسلامی در گذار به پردازش الگوی فلسفه هنجارین فرهنگ و مدیریت راهبردی فرهنگی ظرفیت دارد.

2- چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی شامل مجموعه مفاهیم مرتبطی است که بر محورهای اصلی مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک مجموعه منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد. در واقع سازه‌ای مفهومی است؛ که بیانگر الگوی مفهومی مورد استفاده در تحقیق است.¹ مفاهیم در دو دسته و هرکدام در سه سطح تعریف، نظری و سپس کاربردی می‌شود، مفاهیم دو دسته‌اند: مفاهیم بنیادین در عنوان تحقیق و مفاهیم کاربردی پیرامونی تحقیق، که هر کدام در سه مرحله تعریف خواهند شد، ابتدا برجسته‌ترین تعاریف در دسترس، سپس برگزیدن تعریف معین، که از میان تعاریف یاد شده تعریف جرح و تعدیل شده، برخی یا تمامی این تعاریف می‌باشد و در نهایت ساختارسازی میان این تعاریف برای تصویر روشنی از تمامیت عنوان و موضوع تحقیق.

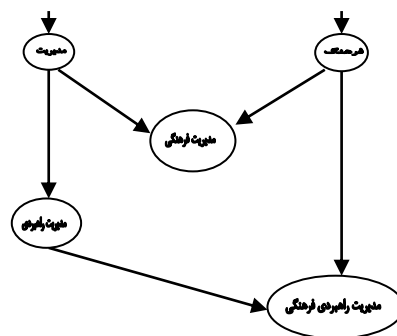
این تحقیق در پی ارائه تصویری از سازه سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی است، لازم است ابتدا درک روشنی از این مفاهیم و تعاریف را به دست داد آنگاه در فصل‌های بعد این مفاهیم اولیه در پرتو آمد و شد مطالب تفصیلی، مورد

1. ن.ک. به: نعمت‌الله کرم‌اللهی، جزوه کلاسی روش تحقیق، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، بی‌تا، به نقل از مجتبی نامخواه، بررسی نظریه انقلاب امام خمینی و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته دانش اجتماعی مسلمین، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

بررسی و تشریح بیشتری قرار گیرد. شایان ذکر است ایضاح مفاهیم در پژوهش پیش رو در سه گام صورت خواهد گرفت.

2-1- تعاریف کاربردی پیرامونی تحقیق:

در گام نخست از مراحل تبیین مفاهیم، واژگان حوزه مدیریت راهبردی فرهنگی، - چنانچه در تصویر تصویر بعد مشاهده می گردد¹ - بررسی خواهد شد:



شکل 1-1-1- ترکیب مفهومی مدیریت راهبردی فرهنگی

2-1-1- فرهنگ

درباره واژه فرهنگ تعاریف مختلفی وجود دارد و هریک از اندیشمندان و متفکران از زاویه دانشی و نگاه خود به ارائه تعریفی از فرهنگ پرداخته اند، «به طوری که جمع کردن آنها مشکل و چه به بسا غیر ممکن است. بعضی دامنه فرهنگ را چنان محدود کرده اند که فقط بخشی از زندگی و مظاهر آن را در برمی گیرد، و بعضی آن چنان تعریف گسترده ای ارائه کرده اند که تقریباً تمامی جنبه های زندگی فردی و اجتماعی را در برمی گیرد»²

1. بنگرید به: تصویر ترکیب مفهومی مدیریت راهبردی فرهنگی، ص 23.

2. جواد منصوری، فرهنگ، استقلال و توسعه، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، 1374، ص 6.

تعریف فرهنگ با رویکرد برون دینی

برخی از اندیشمندان برجسته برون دینی در عرصه جامعه‌شناسی چونان گیدنز در فصل «جامعه و فرهنگ» کتاب جامعه‌شناسی خویش^۱، گی‌روشه در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، بخش «کنش اجتماعی»^۲، و ماکس وبر؛ در آثار خود مطالب عمیق؛ دقیق و نیز در خور نقدی درباره فرهنگ بیان نموده است که البته در مطالب ماکس وبر میزان و عمق این مطالب به اندازه‌ای است که می‌توان ماکس وبر را فیلسوف فرهنگ نامید.^۳

همچنین بزرگانی چون گیدنز، ماکس وبر و گی‌روشه نیز هر یک به زعم خویش در آثارشان به تبیین این مهم از منظر خویش پرداختند.

تعریف فرهنگ با رویکرد درون دینی:

البته با توجه به رسالت پژوهش پیش‌رو بیان تعاریف فرهنگ از منظر برخی اندیشمندان معاصر درون‌دینی مورد نظر ضروری می‌نماید.^۴

فرهنگ از منظر شهید مطهری:

در ابتدا باید گفت قطعات و پاره‌هایی که استاد شهید در نقاط مختلف از گفتارها و نوشتارهای خود در مقام تعریف فرهنگ بیان کرده‌اند، از «انسجام درونی» برخوردارند و ناسازگاری و تضادی میان آن‌ها احساس نمی‌شود. جناب استاد تمام اندیشیده‌ها و تأملات خود را درباره فرهنگ در یک‌جا گرد نیاورده و تعریف واحدی عرضه نکرده است، اما همان اندازه نیز که به مناسبت‌های مختلف به معنا و مفهوم فرهنگ اشاره کرده است، قابلیت تبدیل شدن به

1. ن. ک. به: آنتونی گیدنز، ص 36.

2. ن. ک. به: گی‌روشه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، 1388، ص 116 - 121.

3. ن. ک. به: ماکس وبر، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ دوم، تهران، نشر رایزن، 1368، ص 144 - 145.

4. ن. ک. به: <http://rashad.iict.ac.ir>، 1394/4/20.

یک تعریف «عمیق» و «دقیق» از فرهنگ را دارد؛ البته می توان به ایشان خرده گرفت که چرا آرای پراکنده و متفرق خود را در قالب یک تعریف متمرکز واحد عرضه نکرده اند؟

تعبیری که از شهید مطهری در اختیار است چنین است: فرهنگ به امور معنوی گفته می شود، نه خصوص معنویات مذهبی، بلکه معنویات به طور کلی (علوم و معارف و نظایر آنها)، اما به امور مادی، فرهنگ نمی گویند. عناصر فرهنگی مطابق است با مجموع غرایز فردی بشر.^۱ سه عامل در ساخته شدن شخصیت انسان دخالت دارند: عامل فطرت که خود به خود و تدریجاً رشد می کند؛ به عبارت دیگر عامل درونی فطرت، عامل بیرونی طبیعت و عامل بیرونی جامعه. این سه مورد بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعاً فرهنگ و روح یک جامعه را می سازد، و بالخصوص فطرت انسانی انسان.^۲ فرهنگ به صورت یک پیکر است نه یک مجموعه متفرقه. مجموعه متفرقه آنگاه به صورت یک فرهنگ در می آید که روح واحد بر آن حکم فرما باشد، فرهنگ به همین دلیل [حاکمیت روح واحد بر مجموعه عناصر آن] برای همه مردم علی السویه نیست، اختصاص به مردمی دارد که روح آن فرهنگ را داشته باشند. همین طور که یک فرد، روح دارد، یک جامعه هم روح دارد، هر جامعه ای که دارای فرهنگ است، فرهنگ آن جامعه، روح آن جامعه را واقعاً تشکیل می دهد. افراد در جامعه انسانی در یکدیگر تأثیر و تأثر می کنند؛ و این تأثیر و تأثرها به روحیه ها وحدت می بخشد و در نتیجه، مجموع امور روحی که به یک جامعه تعلق دارد فرهنگ جامعه نامیده می شود، که یک وحدت خاص و یک واقعیت خاص پیدا می کند که افراد را تحت تأثیر خودش قرار می دهد. فرهنگ وصف شیء به حال موصوفها، یعنی انسانهاست.^۳

تعریف فرهنگ از منظر علامه جعفری

از نظر علامه جعفری فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای

1. ک. به: مرتضی مطهری، یادداشت های شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، 1377، ج 6، ص 407 - 408.

2. ن. ک. به: مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، دوره چهار جلدی، تهران، انتشارات صدرا، 1377، ج چهارم، ص 53.

3. ن. ک. به: مرتضی مطهری، نقدی بر مارکسیسم، تهران، صدرا، 1378، ص 260.

آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. به عبارت کوتاه‌تر فرهنگ کلمه‌ای است حامل ارزشی والا^۱

تعریف استاد مصباح از فرهنگ

جناب استاد مصباح، در یکی از بیانات خویش فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ عبارت است از مجموعه مایه‌هایی که رفتار او [انسان] را از رفتار حیوانات، مشخص و ممتاز می‌سازد.»^۲

2-1-1-3- فرهنگ در رویکرد برگزیده پژوهش حاضر:

پردازش نظریه فرهنگ، بخشی نظام‌واره از پردازش نظریه پیشرفت، است. هرگونه نظریه‌پردازی در عرصه اندیشه پیشرفت، در عرصه نظریه‌پردازی اندیشه و مهندسی فرهنگ - فرهنگی نیز، جریان می‌یابد؛ پردازش نظریه فرهنگ - اندیشه فرهنگ در ذیل نظریه جمهوری اسلامی، فصلی از پردازش نظریه پیشرفت - اندیشه پیشرفت محسوب می‌شود.^۳ بدین‌سان مفهوم‌شناسی اندیشه پیشرفت - اندیشه فرهنگی و تحلیل چیستی آن در عرصه مدنیت توسعه‌ای، ضروری می‌نماید. بدین‌قرار خودویژه‌سازی اندیشه پیشرفت به این‌قرار درون‌سازی اندیشه مدنیت فرهنگی، در فضای گفتمان جمهوری اسلامی ایران، در گرو پردازش دو سطح اندیشه‌ای یاد شده در چهارچوبه الگوی قرآنی - اوصیایی رشد - توسعه فرهنگ - فرهنگی است. بررسی نظریه سنت‌شناخت فرهنگ - فرهنگی: مضمون و روش - شناسی، می‌تواند وجه کاربردی آموزه‌های فرهنگ‌شناخت دین را به صورت عملیاتی به گونه -

-
1. ن. ک. به: محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ ن. ک. به: محمدتقی جعفری تبریزی، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، 1379.
 2. محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی: برگرفت از سخنرانی‌های استاد محمدتقی مصباح یزدی، چاپ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مرکز انتشارات، 1378، ص 71.
 3. احمد آکوچکیان، درسنامه الگوی مدنیت فرهنگی، ص 46.

ای ملموس تر تصویر نماید.

فرهنگ یعنی مجموعه بینش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، کالبدها و نمادهای حاکم بر زندگی اجتماعی؛ که جامعه چه به صورت ناخودآگاه و چه از طریق نظام آموزشی، به عنوان الگوی مبنای زندگی خویش برمی‌گزیند.¹ مدیریت راهبردی فرهنگی و در راستای آن مهندسی فرهنگی جامعه هدف، می‌تواند تأثیر کارآمد خویش را در بهینه‌سازی آحاد انسانی جامعه دینی داشته باشد. از همین روست که دو فرآیند جامعه‌سازی و جامعه‌پردازی فرهنگی در الگوی مهندسی فرهنگی جامعه دینی، ملحوظ نظر است و دقیقاً به همین دلیل است که فرهنگ نه به مثابه موضوع الگوی پیشرفت، بلکه به مثابه رویکرد مدیریت فرآیند پیشرفت، در نقشه جامع مهندسی فرهنگی دیده می‌شود.

فرهنگ، الگوی برگزیده تغییر - ترقی جامعه و آحاد انسانی آن است؛ به این قرار اندیشه فرهنگی، فصل انگیزشی و گرایشی اندیشه پیشرفت محسوب می‌شود و نظریه‌پردازی اندیشه فرهنگ - فرهنگی، به تبع نظریه‌پردازی اندیشه و الگوی پیشرفت انجام می‌پذیرد. گام‌های نخبگان و راهبران اندیشه فرهنگ - فرهنگی در نسبت قبل و بعد با پردازش اندیشه مزبور، سنحیده می‌شود. اندیشه فرهنگ - فرهنگی، بالمآل اندیشه تغییر - پیشرفت (رشد - توسعه)، است. این بینش معرفت‌شناختی در نظریه‌پردازی الگوی مهندسی تحقیق و توسعه فرهنگی، جریان اصیل خویش را نشان می‌دهد.²

با ملاحظه دو مبحث «تغییر - پیشرفت» و «فرهنگ - فرهنگی»، تغییر - پیشرفت فرهنگی، تغییر - پیشرفتی همه جانبه در بینش‌ها، باورها، انگیزه‌ها، التزامها و سنت‌ها، رسوم و

1. ن. ک. به: رضا صالحی‌امیری، دیپلماسی فرهنگی، ص 17 - 28؛ ن. ک. به: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، فرهنگ و عرصه فرهنگی «اصول، مبانی، ضرورت‌ها و مسؤولیت‌ها» از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، 1388، ص 25 - 26؛ ن. ک. به: چنگیز پهلوان، ص 44 - 68؛ ن. ک. به: آندرو میلنر و جف براویت، درآمدی به نظریه فرهنگی معاصر.

2. احمد آکوچکیان، الگوی فلسفه هنجارین مدیریت راهبردی فرهنگی در نظام ج.ا.ا.، ص 66.

کالدهای فردی و اجتماعی است که باعث پدید آمدن شخصیتی جدید و هویتی نو در فرد و اجتماع شده و آن‌ها را از گذشته خود جدا می‌سازد. گستردگی این تغییر به تنوع و گستردگی ابعاد فرهنگ‌پذیر فرد و جامعه از یک سو و کمیت و کیفیت تفاوت فرهنگ جدید با باورها و رفتارهای گذشته (فرهنگ قدیم) از سوی دیگر و نیز با قدرتی که فرهنگ جدید در مقابله با چالش‌ها و موانع از خود نشان می‌دهد، ارتباط تمام دارد.¹

2-1-2- راهبرد

2-1-2-1- معنای لغوی راهبرد:

راهبرد را لغت‌شناسان چنین تعریف نموده‌اند:

«راهبرد از کلمه یونانی² مرکب از «stratos» به معنای ارتش و «ego» به معنی رهبر گرفته شده است.»³

«علم لشکرکشی، سوق الجیشی، آشنایی به حیل‌های جنگی، جنگ‌شناسی، لشکرکشی کردن، رژه دادن.

استراتژیک:

سوق الجیشی، وابسته به علم لشکرکشی.»⁴

2-2-1-2- معنای اصطلاحی راهبرد:

طیف وسیعی از تعاریف، راهبرد را با توجه به پیشینه تاریخی و سیر تطور مفهومی شرح

1. ن. ک. به: همان و همکاران، الگوی راهبری تحول، ص 97.

2. strategos

3. ناصر شهلائی و حسین ولیوند، نظریه‌های استراتژیک، تهران دافوس آجا، 1388، ص 74.

4. عباس آریانپورکاشانی، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1370، ص 5469.

نموده‌اند^۱ و دسته‌ای دیگر از تعاریف در این حوزه، این واژه را با رویکرد عام و با نگرشی نوین بیان نموده‌اند.^۲

در نهایت و در یک جمع‌بندی کلی راهبرد را می‌توان اینگونه بازتعریف نمود:
چارچوبی است که مجموعه حرکات و اقدامات اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده و چگونگی تخصیص کلی منابع را برای به دست آوردن موقعیت‌های مطلوب و خستگی کردن تهدیدها در حال و آینده بیان می‌دارد.

با توجه به اهداف پژوهش حاضر و اهمیت بنیادین بازسازی مفاهیم مربوطه، بیان چستی راهبرد فرهنگی نیز در ادامه مطالب ضروری می‌نماید:

تمام پدیده‌های طبیعی و انسانی تحت قانون علت قرار دارند. یعنی تحقق هر چیزی تابع این قانون می‌باشد. در قانون علت برای تحقق پدیده‌ها چند علت را (فاعلی، غایی، مادی و صوری) متصور می‌دانند. پدیده‌های اجتماعی چون انقلاب نیز تحت این قانون قرار دارد با این فرق که علاوه بر علت فاعلی، علت غایی و مادی آن نیز وجود دارند. به این معنا که بین علت فاعلی با علت غایی (یعنی هدف) و علت مادی (یعنی جنبه اجتماعی عمل) پیوند وثیقی وجود داشته و حرکت و مسیر آن در جامعه به خاطر رسیدن به یک مقصود است. بنابراین راهبرد فرهنگی هر سه علت (فاعلی، غایی و مادی) انقلاب را در برمی‌گیرد. راهبرد فرهنگی نیز با توجه به ارکان جهت‌ساز فرهنگ یعنی ارزش‌ها و باورها که دربرگیرنده علت فاعلی و برگرفته از علت غایی و در سطح اجتماعی و با تحلیل‌های انجام شده بر روی محیط فرهنگی داخلی و خارجی تدوین و ارائه می‌شود. مسائلی که ضروری است برای تدوین راهبردهای

1. کریگ اسنایدر، امنیت و راهبرد در جهان معاصر، مترجم فرهاد امیری و اکبر عسکری صدر، ویراستار کریگ آ. اسنایدر، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1385، ص 32 - 33؛ ن. ک. به: آلن بیرو، ص 406 - 407؛ ن. ک. به: علیرضا معینی، حسین بیدختی، مدیریت استراتژیک، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، 1385، ص 137 - 140؛ رضا مهربان، مدیریت استراتژیک، چاپ اول، مشهد، انتشارات جهان فردا، 1388، ص 12؛ علیرضا امیرکبیری، مدیریت استراتژیک، نشر نگاه دانش، 1381، ص 26.

2. علیرضا امیرکبیری، ص 26.

فرهنگی به آن دست پیدا کرد عبارتند از:

- 1- شناخت مبانی حاکم (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی)؛ اهداف متعالی؛
 - 2- شناخت ارزش‌های برآمده از مبانی حاکم؛
 - 3- شناخت هدف یا اهداف متعالی برآمده از مبانی حاکم؛
 - 4- شناخت وضعیت موجود (نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت)؛
- پس از طی این مراحل، دستیابی به اهداف و مقاصد مورد نظر باید به شناخت و تدوین راهبرد اقدام کرد.¹

2-1-3- مدیریت

2-1-3-1- مدیریت در لغت:

با نظر به تعاریف لغوی موجود از مدیریت، واژه مدیریت بدین صورت بیان شده است:

«مدیریت: /مُ ی ی/ (ع مص جعلی، امص) مدیر بودن. مدیریت کل، مدیریت عامل، مدیریت دبستان. رجوع به مدیری و مدیر شود. مدیر. /م/ (از «دور») گرداننده. آنکه می‌گرداند. دوردهنده. (یادداشت مؤلف). نعت فاعلی است از اداره کننده. در تداول، اداره کننده. کسی که کاری را اداره می‌کند.»²

2-2-3-1-2- مدیریت در اصطلاح:

طیف وسیعی از تعاریف مدیریت چونان تعریف زیر، این اصطلاح را با نگرش عام و با رویکردی تحلیلی به مراحل مختلف آن بسط داده‌اند:

«شاید مدیریت را بتوانیم یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در زندگی اجتماعی بشر امروز بدانیم. در عصر حاضر به مدد این فعالیت است که مأموریت‌ها و اهداف سازمان‌ها تحقق می‌یابند، از منابع و امکانات موجود بهره‌برداری می‌شود، و توانایی و استعداد انسان‌ها از قوه به فعل در می‌آید. مدیران در انجام وظایف خود فرایندی را

1. محمد بکائی، راهبردهای فرهنگی تداوم انقلاب اسلامی با تأکید بر قرآن کریم، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، 1390، ص 16 - 17.

2. علی‌اکبر دهخدا، جلد 12، ص 18155 - 18156.

دنبال می کنند که شامل اجزایی چون برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل، انگیزش، ارتباطات، هدایت، و تصمیم گیری است. مجموعه این فعالیت ها است که مدیریت را شکل می دهد و هماهنگی و نیل به هدفها را میسر می سازد.¹ برخی دیگر از تعاریف اصطلاح یاد شده را با رویکرد خاص از جمله رویکردهای اقتصادی و تجاری معرفی نموده اند.²

2-1-3-3- تعریف برگزیده این پژوهش:

با تعاریفی که از تئوری های مختلف در باب مدیریت شد می توان دریافت که مدیریت عبارت است از برآیند برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و اعمال کنترل بر تلاشها و کارهای اعضای سازمان است به گونه ای که بتوان با آنها و توسط آنها به هدفهای کلان سازمان دست یافت. این تعریف؛ گویای آن است که یک مدیر پنج وظیفه راهبردی بر دوش دارد.³

2-1-4- مدیریت راهبردی

نظام مدیریت راهبردی هر کشوری، اصلی ترین نظام محسوب می شود. خروجی این نظام، تصمیمات کلان اعم از چشم انداز، اهداف بلندمدت، سیاستها، راهبردها و در پی آن نوسازی و بازسازی و مهندسی مجدد ساختارها، متناسب با چشم انداز و اهداف بلندمدت می-

1. ن. ک. به: مهدی الوانی، مدیریت عمومی، چاپ پنجاهم، تهران، نشر نی، 1393، ص 11؛ ن. ک. به: علی رضائیان، مبانی و سازمان مدیریت، چاپ چهاردهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، 1390، ص 8؛ علی اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، فرهنگ جامع مدیریت، چاپ اول، برابند پویش، 1390، ص 240؛ ن. ک. به: طاهره فیضی، مبانی سازمان و مدیریت (کلیه رشته های مدیریت، حسابداری و اقتصاد)، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، 1384، ص 8؛ علیرضا علی آبادی، مدیران جامعه اسلامی (مدیریت پایدار)، چاپ چهارم، مؤسسه فرهنگی نشر امین، چاپ چهارم، 1377، ص 27.

2. درک فرنچ و هیتر سارود، فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، چاپ اول، مرکز آموزش مدیریت دولتی، 1371، ص 379 - 381.

3. ن. ک. به: احمد آکوچکیان و بخشی، مرضیه، نظام ولایت فقیه در چشم انداز سطوح تحلیلی نظام مدیریت دین- شناخت پیشرفت، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهران، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، صص 12-13 و 27-31.

باشد. نظام مدیریت راهبردی چه در سطح سازمان و چه در سطح کشور، امامت سازمان و کشور را برعهده دارند.

در ساده ترین بیان، مدیریت استراتژیک سازمان را قادر می سازد تا بتواند:

1. جهت گیری بلندمدت خود را مشخص کند؛

2. عملکرد بلندمدت خود را ارزیابی کند؛

3. از تدوین صحیح و کارشناسانه برنامه ها اطمینان حاصل کند؛

4. برنامه ها را به طور اثربخش اجرا و نظارت کند؛

5. ارزیابی مستمر از شرکت و عملکرد آن را انجام دهد.

مدیریت استراتژیک به دنبال آن است تا اطمینان حاصل کند از اینکه:

1. مأموریت های سازمان به اهداف عملیاتی¹ (شفاف و واضح) تبدیل شده اند؛

2. این اهداف به استراتژی ها مبدل شده است که اجرایی است؛

3. اهداف تعیین شده برخاسته و ناشی از استراتژی های سازمان است؛

این اهداف (همچنین مأموریت اهداف عملیاتی و استراتژی ها)، در همه پروژه ها و فعالیت ها منطبق شده است.

مدیریت استراتژیک تلاش دارد تا وظایف و فرایندهای سازمانی را در قالب یک استراتژی گسترده و به هم پیوسته بگنجانند. همچنین، با هماهنگی بخش های وظیفه ای مختلف سازمان، ثابت می کند که آنها به صورت متقابل عمل می نمایند و از وابستگی متقابل موجود در جهت مثبت و سازنده بهره می گیرند.

مدیریت استراتژیک در اصل فرایندی است که سازمان در یک وضعیت پویا و البته تعاملی تلاش می کند تا پاسخ گویی به محیط عمومی² خود را تضمین کند.

فرایند مدیریت استراتژیک را می توان یک وظیفه مداوم مدیریتی فرض کرد که شامل

1. objective
2. General environment

مجموعه پیچیده‌ای از تصمیمات و اقدامات است. مقصود و منظور از این تصمیمات و اقدامات عبارتند از:

تدوین استراتژی؛

اجرای استراتژی؛

نظارت و پاسخ‌گویی به سنجش عملکرد؛

فرایند مدیریت استراتژیک با این نگاه پیش می‌رود که دستیابی به اهداف عملیاتی^۱ مستلزم تعامل دوسویه با محیط سازمان است. هر نوع فرایند مدیریت استراتژیک، فارغ از ترکیب و شکل آن، باید به موارد ذیل پاسخ دهد:

جایگاه فعلی سازمان، یا سازمان در شرایط فعلی کجا قرار دارد؟

سازمان می‌خواهد، یا باید به کجا برسد؟

سازمان چگونه به جایگاه مطلوب خواهد رسید؟^۲

در یک جمع‌بندی نهایی و در بیان رویکرد پژوهش حاضر و آنچه گذشت این سوال پیش می‌آید که:

اصول خودویژه نظام مدیریت راهبردی چیست؟ در واقع چگونه یک راس هرم راهبردی سازمان می‌تواند بر اساس اصولی که می‌تواند خودویژه آن سازمان باشد، توانمند مدیریت موفق آن سازمان باشد؟

امورات و موضوعاتی استراتژیک هستند که سه ویژگی برجسته داشته باشند:

1- بلندمدت باشند یعنی مدیریت سازمان معطوف به یک بازه زمانی بلندمدت باشد؛

2- محیط رقابتی باشد یعنی یک سازمان در تقابل با دیگر سازمان‌ها قرار دارد و قطعاً ما

1. objective

2. ن. ک. به: جانانان ساترلند، دیانا کانول، مفاهیم کلیدی مدیریت استراتژیک، ترجمه مهدی مشفق و محمد تقوی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، 1390، ص 344 - 345؛ ن. ک. به: علیرضا معینی، حسین بیدختی، ص 13 - 15.

بایستی در این فضای رقابتی با یک مسابقه و سبقت و پیشرانی و پیشآهنگی در فرایند توفیق سازمان را مدنظر قرار بدهیم؛

3- و اینکه آن امور بایستی برای شرکت یا سازمان نقش حیاتی داشته باشد. اموراتی که در واقع به نوعی با حیات و مرگ سازمان ارتباط دارند و تعیین کننده بلندمدت وضعیت سازمان هستند مدیریت استراتژیک سازمان محسوب می شوند؛

با این پیش فرض ها ما می توانیم به یک تعریف از سطح اولیه مدیریت راهبردی نزدیک بشویم. مدیریت راهبردی عبارت است از فرایند پنج مرحله ای که در تعریف مدیریت پیش تر اشاره شد با ملاحظه سه شاخصه بلندمدت نگری، حضور در فضای رقابتی و اهتمام به نقطه-هایی که موثر در حیات بلندمدت یک سازمان محسوب می شود.

البته باید عنایت داشت که واژه های پیش تر تبیین شده، چونان واژه های مدیریت، راهبرد و فرهنگ، ضمن عنایت به اهمیت خود ویژه آنان واژگانی فرعی می باشند که زمینه ورود به مفهوم شناسی مدیریت راهبردی و به طور خاص مدیریت راهبردی فرهنگی که یکی از مفاهیم اصلی در عنوان تحقیق حاضر است را فراهم خواهد نمود.

2-2- مفاهیم بنیادین

2-2-1- مدیریت راهبردی فرهنگی

مدیریت راهبردی در هر سازمان و در هر جامعه ای معطوف به مدیریت در بالاترین رده آن سازمان و جامعه است. مدیریت راهبردی با تعیین اهداف، وجه تمایز یک سازمان و جامعه را با سایر سازمان ها و جوامع مشخص می سازد. سازمان ها و جوامع در کنار همدیگر با داشتن کارکردهای مختلف بر اساس اهداف مختلف، نیازهای خود را تأمین می نمایند. مدیریت راهبردی فرهنگی با این مفهوم که مدیریت راهبردی با رویکرد فرهنگی است این ویژگی را داراست که اهداف را براساس رویکرد فرهنگی تعیین می کند.

هر فرهنگی، انسان، دنیا، آخرت و هدف خلقت را به گونه ای تعریف و تبیین می کند،

فرهنگ‌های مختلف دارای مفاهیم و مفروضات و باورهای اساسی متفاوت‌اند. بنابراین مدیریت راهبردی در سازمان‌ها و جوامع مختلف با رویکردهای متناسب با فرهنگ‌های مختلف، منجر به تعیین اهداف متفاوت می‌شود.

در جامعه و سازمانی که مدیریت راهبردی با رویکرد فرهنگی مادی و غیر الهی اعمال می‌شود. اهداف اصلی، اهداف مادی و اقتصادی و تأکید بر نیازهای بعد طبیعت و بعد حیوانی است ولی در جامعه و سازمانی که مدیریت راهبردی با رویکرد فرهنگی الهی و انسانی اعمال می‌شود، اهداف اصلی، اهداف الهی و انسانی بوده و تأکید بر تأمین نیازهای بعد انسانی انسان علاوه بر تأمین نیازهای بعد طبیعت، در پی تأمین آرامش انسان علاوه بر تأمین آسایش اوست. رویکرد حاکم بر نظام مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی، با عنایت به این امر که این نظام، برخاسته از انقلابی اسلامی و انقلابی فرهنگی است، رویکردی فرهنگی باید باشد و این رویکرد نمی‌تواند جای خود را به رویکردی اقتصادی و یا سیاسی و یا نظامی و امنیتی بدهد. در این نوع مدیریت، هدف اصلی جامعه، رشد و پرورش انسان‌هایی است که توانایی‌های بالقوه آنان در همه ابعاد بالفعل شود و به مراحل نهایی رشد خود دست یابند، لذا نظام مدیریت راهبردی کشور، فرهنگی بوده و ولی فقیه به عنوان یک اسلام‌شناس و فرهنگ‌مدار، در رأس این نظام قرار دارد.

مهندسی فرهنگی نظام مدیریت راهبردی کشور، بدین معناست که جایگاه اصلی و محوری در نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، باید آن جایگاهی باشد که در خصوص حاکم‌سازی رویکردی فرهنگی بر مجموعه نظام، تصمیم‌گیری می‌نماید و سایر جایگاه‌های تصمیم‌گیری راهبردی وظیفه دارند که تصمیمات خود را با مصوبات جایگاه محوری، سازگار سازند.¹

مدیریت راهبردی فرهنگی بایستی رویکردی نوین را در مدیریت راهبردی اعمال نماید.

1. ن. ک. به: مهدی ناظمی اردکانی، ص 20 - 15.

چراکه این گونه مدیریت مبتنی بر فرهنگی است که در این فرهنگ، وضعیت آرمانی و مطلوب تعریف می شود. مدیریت راهبردی فرهنگی علاوه بر اینکه اهداف اصلی و یا اهداف مطلوب و ممکن را به عنوان چشم انداز و نقشه هدف ترسیم می کند. باید نسبت به تحول در ساختارهای موجود، برای تحقق چشم انداز، اقدام نماید. نقشه تحول، همان نقشه مهندسی مجدد ساختارها و سازوکارهای موجود می باشد. فراتر از ترسیم نقشه هدف، به عنوان چشم انداز و ترسیم نقشه تحول در وضع موجود، به عنوان نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تحول در فرهنگ موجود در جهت فرهنگ مطلوب نیز از کارکردهای جوهری و اصیل مدیریت راهبردی فرهنگی کشور محسوب خواهد شد.

بنابراین هدف گذاری و سیاست گذاری و نظارت ارزیابی از کارکردهای اصلی مدیریت راهبردی محسوب می گردد. حال اگر مدیریت راهبردی فرهنگی باشد و رده آن نیز کل کشور و جامعه باشد. هم سطح و هم نوع اهداف، معطوف به کل کشور و به نوع فرهنگ خواهد بود. در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، کارکردهای اصلی عبارتست از تعیین اهداف اصلی و ترسیم چشم انداز در افق زمانی معین، تعیین سیاست کلی با توجه به ضعفها و قوت های محیط داخلی، تهدیدات و فرصت های محیط خارجی و سپس ارزیابی استراتژیک و تعیین چگونگی تحقق اهداف، توسط هر یک از نظام های اصلی. مدیریت راهبردی، مدیریت بازده است. مدیریت فرایند مربوط به رده های میانی و عملیاتی است. مدیریت راهبردی باید مبتنی بر تفکر استراتژیک و راهبردی باشد. تفکر استراتژیک بر اساس آرمانها، اهداف مطلوب - ممکن را به عنوان چشم انداز، می تواند ترسیم نماید. مدیریت راهبردی که صرفاً با تکیه به ضعفها و قوتها و فرصت ها و تهدیدات، اهداف را ترسیم می کند. اهداف ممکن - مطلوب را به عنوان اهداف راهبردی مشخص می سازد.

به هر ترتیب مدیریت راهبردی فرهنگی فرایند تدوین، وضع و اعمال راهبردها و سیاست های کلان فرهنگی، سازمان دهی و تقسیم کار ملی و نظارت و ارزیابی راهبردی در نظام های مختلف کشور با توجه به رهیافت های مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و

مقتضیات ملی و جهانی است. (ماده 9 نظام‌نامه مهندسی فرهنگی کشور)

- مدیریت راهبردی دو وظیفه عمده بر عهده دارد:

1- شاخص‌های روشن و مشخصی برای هدف فرهنگی مشخص کند؛

2- نرخ موجود و نرخ هدف را تعیین کند.¹

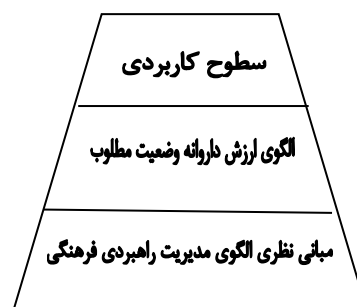
در این مورد مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره دارند و می‌فرمایند: باید تاثیر مجموعه کارهایی را که انجام می‌دهیم مشخص کنیم و بتوانیم بسنجیم که خروجی کارمان در مجموع نظام، در حوزه فرهنگ چگونه است.

همچنین قابل توجه است یک الگوی هنجاری مدیریت تغییر و به این قرار مدیریت راهبردی فرهنگی - چنانچه در شکل زیر به تصویر کشیده است² - دارای ساختاری سه لایه - ای است:

1- در زیرترین لایه: پژوهش‌های معطوف به حوزه مبانی نظری اندیشه و الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی؛

2- سطح دوم: الگوی ارزش‌دوارانه وضعیت مطلوب اندیشه و الگوی مدیریت راهبردی فرهنگی؛

3- سطح سوم: دستاوردهای مربوط به الگوی کاربردی.³



1. ن. ک. به: همان، ص 75 - 77.

2. بنگرید به: تصویر سطوح تحلیلی یک مدیریت راهبردی فرهنگی، ص 38.

3. ن. ک. به: احمد آکوچکیان، الگوی فلسفه هنجارین مدیریت راهبردی فرهنگی، صص 56 - 50.

شکل 1-3- سطوح تحلیلی یک مدیریت راهبردی فرهنگی

مطالبی در ذیل مدیریت راهبردی فرهنگی تبیین گردید، مقصود تحقیق حاضر را نیز در این زمینه تأمین می نماید، به این ترتیب به دنبال آن هستیم تا ضمن به دست دادن مختصات اصول مدیریت راهبردی در فلسفه اسلامی، فرایند و روش های استخراج آنان را نیز از فلسفه تبیین نماییم.

در گام دوم پس از ایضاح سطوح مدیریت راهبردی فرهنگی شامل مبانی نظری، اصول ارزش داورانه و سطوح کاربردی و همچنین رسالت این تحقیق که همانا تبیین سازوکار استخراج اصول ارزش داورانه از مبانی فلسفه اسلامی است، نوبت به تبیین واژگان سازوکار و اصول خواهد رسید:

2-2-2- سازوکار

سازوکار، طرزکار، مکانیسم در لغت:

با عنایت به مطالب ارائه شده در کتاب های واژه شناسی سازوکار در لغت چنین بیان شده است:

«1- ساختمان، دستگاه و اجزاء ساختمانی چیزی، اجزاء متشکله¹ چیزی، اجزاء و عوامل مکانیکی، چرخ های مکانیکی و حرمت قسمت های ماشین، دستگاه؛

2- دستگاه طبیعت؛

3- فرضیه ای که معتقد است فعل و انفعالات و سیر تکامل حیات به طور مکانیکی صورت گرفته و تابع قواعد فیزیکی و شیمیایی است؛

4- [ر.ش] عملیات ذهنی و فکری که در اثر آن نتیجه ای به دست می آید؛

5- موجبات انجام عملی دستگاه»²

1. Moteshakkeleh

2. عباس آریانپورکاشانی، ج سوم، ص 3135 - 3136.

با بیانی دیگر و به تعبیر دایره المعارف فارسی، سازوکار:

- 1- ترتیب اجزای هر چیز یا روابط بین آن‌ها با یکدیگر از جهت تطابق آن‌ها در تولید اثری مانند سازوکار ساعت؛
- 2- دستگاہی از اجزائی که با سازگاری و تطابق متقابل، مانند ماشین، کار می‌کنند؛
- 3- تألیف فرایندهای دماغی که بوسیله آن نتیجه‌ای حاصل شود (مانند سازوکار اختراع)؛
- 4- وسایلی که لاین شعور برای ارضای میلی به کار انداخته می‌شوند (مانند سازوکار دفاع).¹

عنوان سازوکار در غالب موارد بیان شده خویش ذیل مباحث طبیعی و یا سیستمی بیان گشته است، چنانچه کتاب‌های با نگرش سیستمی سازوکار را با تعبیر طرزکار سیستم نیز تبیین نموده‌اند.²

با نظر به تعاریف لغوی و اصطلاحی می‌توان در فضای مفهومی دانش مدیریت به مفهوم تحلیلی تری از سازوکار رسید که همانا فرایند و روش مدیریت تحول است، آنچنان که تفصیل آن به شرح زیر می‌باشد:

در یک نگرش سیستمی و جامع به مقوله مبهم فرهنگ عوامل مؤثر پیرامون سامانه یاد شده به مثابه سامانه‌ای پویا ضرورت ویژه می‌یابد. چرا که مؤثرترین بر مقوله مذکور ضمن در اختیار نهادن فرصت و موقعیت‌ها، انتظارات خاصی را نیز دنبال می‌کنند. در این راستا شایسته است که جایگاه سامانه مورد نظر، رابطه دو سویه بین او و دیگر عوامل محیطی در سایه‌سار امر انکارناپذیر تحول و توسعه مورد بحث بررسی تحلیلی قرار گیرد و در گام نهایی مقوله یاد شده را با دیگر عوامل محیطی خویش، از این باب که جدایی هر کدام از عوامل سیستم از

1. غلام حسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، دوره سه جلدی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، 1380، ج اول، ص 1227.

2. ن. ک. به: ژوئل دوروسنی و جون بیشون، روش تفکر سیستمی، ترجمه دکتر امیرحسین جهانگللو، چاپ اول، تهران، انتشارات پیشبرد، 1370، ص 27 تا 29.

یکدیگر امری انتزاعی است و در واقع باید کل را به مثابه یک سیستم واحد تنقیح نمود؛ به بحث نشست، که البته در پژوهش حاضر تلاش گردیده است تا به مدد مفهوم‌شناسی تحلیلی و برگزیده به این امر جامع با مبنای فلسفی و حکمی پرداخته شود و در گام نهایی از بطن چنین پردازی به ساختار الگویی جامع از مدیریت راهبردی فرهنگی دست یافت.

در گام نخست و مبنا در ضلع راهبردی پردازش مورد نظر، فلسفه و حکمت اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فلسفه اسلامی در طول تاریخ و در ادوار مختلف توسط فیلسوفان بسیاری چون ابن سینا و فارابی و ملاصدرا و ... به بحث و تکمیل پرداخته شده است تا امروزه در قالب حکمت متعالیه و با امتزاجی از عقل و ذوق عرفانی به عرصه‌ای رسیده است که نیازمند تحولی عظیم در نگرش به مسائل مهم فردی، اجتماعی و تمدنی به منظور دستیابی به اوج کمال خویش است چرا که فلسفه اسلامی ضمن در برداشتن منابع عظیم و غنی فکری به تنهایی یارای رساندن عرصه‌های جدید به نقاط مطلوب نظری و اقدامی نمی‌باشد به تعبیری دیگر عرصه‌های دانشی امروز حاجتمند توسعه حکمت و فلسفه‌ای متعالی به ویژه در حکمت عملی مطابق با نیاز عرصه‌های گوناگون می‌باشد، از این روی در ادامه تحلیل معنایی فلسفه و حکمت اسلامی با در نظر گرفتن تعریف موجود که در ساختار تحلیلی خود دربرگیرنده ظرفیت‌های قابل توجهی در به دست‌دادن روش‌های حاکم بر هریک از مراحل و فرایندهای فرهنگی مورد نظر باشد.

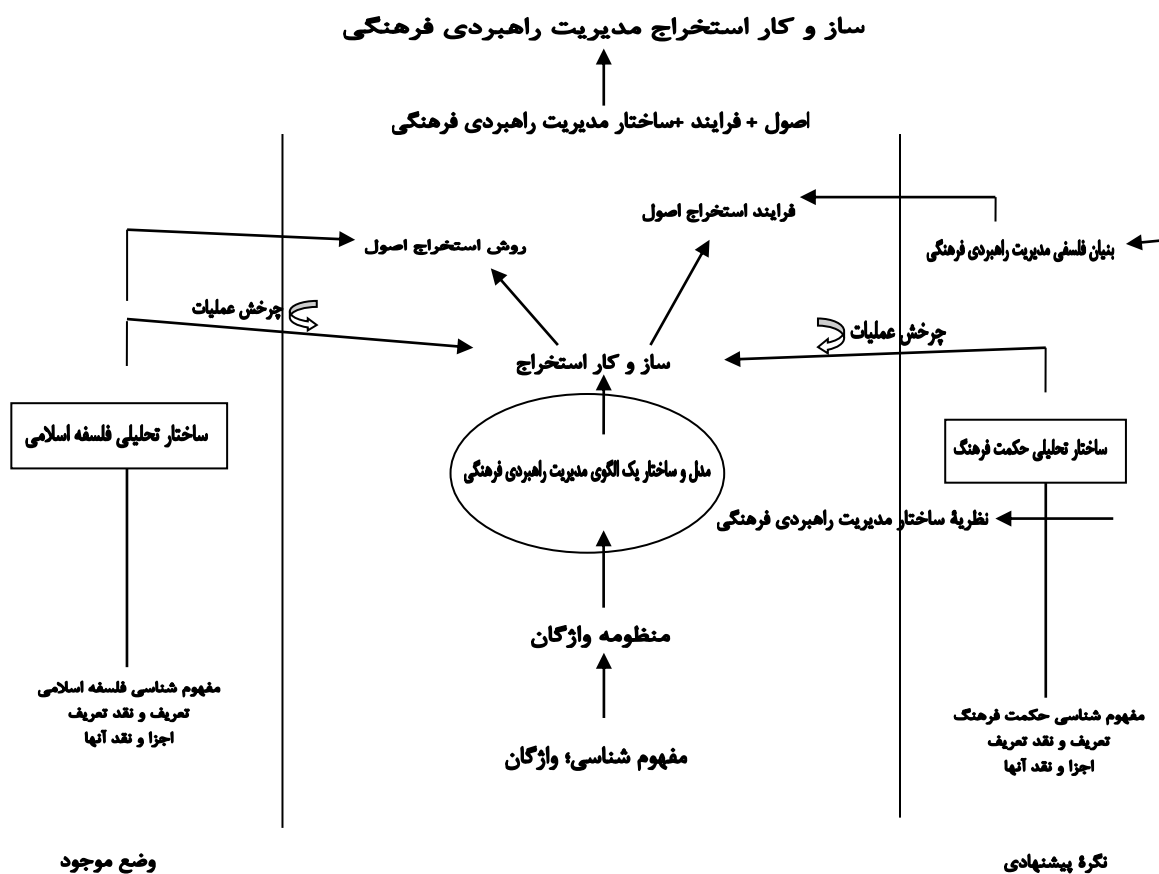
در گامی هم‌تراز با گام نخست با آشکارگی لزوم توسعه حکمت به پیش از آنچه حکمای گرانقدر اسلامی در باب فلسفه اسلامی به دست داده‌اند پرواضح است که برای پی-ریزی تمدن نوین اسلامی باید با عبور از مختصات فلسفه اسلامی و ترسیم فلسفه و حکمتی متناسب با آن به فلسفه مضاف دست یافت. شایان ذکر است که به دلیل نوپا بودن تکون فلسفه‌های مضاف، ابهامات بسیاری در این زمینه وجود دارد اما آنچه محقق است بررسی عقلانی، کلی و سیستمی متعلق فلسفه‌های مضاف می‌باشد. در این عرصه نیز فرهنگ به مثابه اساس هویت یک جامعه پیوندی، متعلق حکمت واقع شده است و در تحلیلی عقلانی و کلی

به بررسی پرداخته شده است، در نتیجه این پردازش ساختار تحلیلی فلسفه فرهنگ دست داده خواهد شد که با عنایت ویژه به این ساختار، می توان بنیان فلسفی مدیریت راهبردی فرهنگی را به تفصیل نشست.

بیان شد که در ضمن تحلیل حکمت فرهنگ، بنیان های فلسفی مدیریت راهبردی فرهنگی به دست داده خواهد شد، مدیریت راهبردی فرهنگی، مدیریتی با رویکردی فرهنگی می باشد که در رأس هرم راهبردی نظام قرار دارد و عنایت به خروجی کلان و ارزشمند این مدیریت عظیم ضرورت پرداختن به مسائل آن را واضح و آشکار می نماید. در این گام از مباحث تحلیلی پروژه حاضر بررسی به اصول مدیریت راهبردی فرهنگی خواهد رسید، سپس در ادامه با تبیین اصول مزبور در دو گام اساسی و با استفاده از گام های گذشته در پی تبیین فرایندهای توجیه این مختصات فرهنگی از مبانی فلسفی خویش هستیم و همزمان به روش هریک از این فرایندها نیز به مدد فلسفه اسلامی خواهیم پرداخت، مجموع گام های ذکر شده سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی را به نمایش می - گذارد.

در این میان و در ضمن تحلیل مبانی فلسفی مدیریت راهبردی فرهنگی در سایه سار حکمت فرهنگ و نظام واژگان خودویژه، نظریه ساختار مدیریت راهبردی فرهنگی نیز پا به عرصه وجود خواهد نهاد و به مدد لایه های تحلیلی خود الگوی جامع مدیریت راهبردی فرهنگی را با رویکردی توسعه محور و تحول نگر دست خواهد داد. در گام نهایی با ترکیب گام های آغازین حکمی و پردازش ساختار مدیریت راهبردی فرهنگی به سازوکار مدیریت راهبردی فرهنگی از منابع فلسفه اسلامی رهنمون خواهیم شد، چنانچه در شکل زیر نیز مطالب یاد شده نمایان است.¹

1. بنگرید به: تصویر ایده اولیه سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی، ص 43.



شکل 1-4_ ایده اولیه تبیین سازوکار استخراج اصول از مبانی فلسفه اسلامی

2-2-3- اصول:

با اهتمام به نظرات ارائه شده در باب لغت‌شناسی واژه اصول چنین تبیین خواهد گشت که:

«واژه اصل در لغت به معنای بیخ، بن، اساس، ریشه، قاعده، قانون و ... آمده است. «اصول» جمع اصل می‌باشد، اصل هر چیز آن است که وجود آن بدان متکی یا از آن نشأت گرفته است.»¹

در هر یک از شاخه‌های دانش چونان دانش فقه²، سیاست³ و ...، بنابر مقتضیات خویش علم اصول را متفاوت تعریف و تبیین نموده‌اند.

با عنایت به تعاریف موجود در عرصه‌های یاد شده مقصود اصول در پژوهش پیش‌رو چندان واضح نخواهد گشت، به تعبیری می‌توان چنین عنوان نمود که مقصود از اصول در ذیل عنوان این پایان‌نامه، ارزش‌ها و قواعد و هنجارهای عرصه فرهنگ که ذیل نظام فرهنگی شکل می‌گیرد، منظومه ارزش‌ها که مؤکداً منظور از ارزش‌های مخدوم است چونان اصل ارزشی عدالت، ایثار، فتوت، مروت و مودت اجتماعی در بخش فرهنگی، این اصول در مقابل اصول ارزش‌داورانه خادم قرار خواهد گرفت، اصول خادم؛ اصولی متغیر است که در شرایط مختلف ممکن است تغییر نماید چونان اصل صداقت، به این ترتیب فرایند تحقیق پیش‌رو در پی روش و فرایند استخراج چنین اصول فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی خواهد بود.

1. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، دوره سه جلدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374، مج 1 و 2، ص 94.

2. ن. ک. به: محمدباقر صدر، قواعد کلی استنباط، ترجمه و شرح رضا اسلامی، دوره سه جلدی، چاپ پنجم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ج اول، 1387، ص 91.

3. ن. ک. به: سیدخلیل خلیلیان، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1381، ص 204؛ ن. ک. به: عزیزالله کاظمی، اصول سیاست داخلی دولت اسلامی از منظر قرآن، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، 1390، ص 11.

در گام نهایی در پی بیان مقصود از مبانی نظری روشن خواهد گشت که مراد چنین است که به دنبال استنباط اصول ارزش داورانه از منبع فلسفه اسلامی خواهیم بود، بدین قرار به این واژه پرداخته خواهد شد:

2-2-4_ فلسفه اسلامی

هویت فلسفه اسلامی در دو ساحت امکان و تحقق، مطرح است. دو دیدگاه کلان ایجابی و سلبی دربارهٔ هویت فلسفه اسلامی، مطرح گردیده است. پیشینه تاریخی این مسئله به فرهنگ مسیحیت برمی گردد. هویت فلسفه اسلامی در پرتو فرهنگ و تمدن اسلامی، جهت-گیری، طرح مسئله، ابداع استدلال و رفع اشتباه در مقام اثبات و رویکرد مفهوم بلا مصداق و بی هویتی فلسفه اسلامی در مقام نفی بیان شده است. هویت فلسفه اسلامی در پرتو اسلام جامع نگر ظهور می یابد. پس حق مطلب آن است که فلسفه اسلامی، معنا و مصداق دارد و در پرتو اسلام جامع نگر می توان به فلسفه اسلامی جامع نگر دست یافت.¹ توضیح مطلب آن که:

الف. وقتی از پیوند و هماهنگی اسلام و فلسفه سخن به میان می آید، از دو فلسفه محقق (یعنی مباحثی که فیلسوفان در الهیات مطرح نمودند) و فلسفه بایسته (یعنی آنچه باید در فلسفه اسلامی بررسی شود) می توان سازگاری را دنبال کرد. رویکرد برگزیده بر این ادعا است که فلسفه محقق با بخش هایی از آموزه ها و معارف اسلامی پیوند دارد؛ اما بر فلسفه بایسته ضروری است که پیوند محکم تری داشته باشد. به عبارت دیگر، عنوان فلسفه اسلامی، مفهومی تشکیکی و دارای مراتب و شدت و ضعف است؛ یعنی با گرایش فلسفی در مقطع تاریخی معینی، پیوند محکم تری با اسلام دارد و وصف اسلامیت را شدیدتر شامل می شود و این حرکت در فلسفه اسلامی بایسته معنا دارد.

1. ن. ک. به: عبدالحسین خسروپناه، هویت فلسفه اسلامی، قبسات، سال دهم، بهار 1384؛ ن. ک. به: عبدالحسین خسروپناه، فلسفه فلسفه اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1389، ص 354 - 362؛ ن. ک. به: حسن معلمی، حکمت جاودانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، 1391، ص 15 - 23؛ ن. ک. به: رسول نادری، ماهیت فلسفه اسلامی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقر العلوم، 1387.

ب. اسلام جامع‌نگر، به تمام ساحت‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی پرداخته و اعتبار معرفت‌شناختی روش‌های گوناگون معرفتی مانند حس و عقل و شهود و وحی را از جهت معرفت‌شناختی معتبر می‌داند. اگر فلسفه اسلامی بتواند پیوند جامع‌تری با دستاوردهای نظری و عملی روزگار خویش برقرار سازد و چالش‌های فکری و اجتماعی معاصر بیندیشد و از حالت رکود و سکون در آورده، با ژرف‌نگری در بنیادها و زیرساخت‌های خود، به حل مسائل مورد ابتلای انسان و دنیای معاصر بپردازد؛ از این جهت به جامعیت نسبی دست یافته و به اسلام جامع‌نگر نزدیک شده است؛ البته معنای سخن پیش‌گفته این نیست که فلسفه، وارد عرصه‌های دیگر علمی و جامع علوم بشری شود؛ بلکه مقصود این است که همه مسائل و موضوعات علوم مانند سیاست، فناوری، هنر، عشق، مرگ، جوانان، زنان، آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی و جنگ در مبانی فلسفی ریشه دارند. فلسفه اسلامی باید به گونه‌ای بالنده شود، تا خود را در همه مسائل جاری درگیر کند.

وجه دیگر جامعیت اسلامی، جامعیت روش‌شناختی است که فلسفه اسلامی با بهره‌گیری از حس و وحی و شهود در مقام گردآوری، و عقل در مقام داوری، این جامعیت را در می‌یابد و عقل فلسفی از آن رو که منبع معرفتی در اسلام به شمار می‌آید به طور کامل می‌توان دستاوردهای فلسفه را اسلامی دانست.

ج. درک دقیق‌تر از هویت فلسفه اسلامی، مرهون دانستن چیستی علوم اسلامی است که در مطلب بالا بیان گردید.

با توجه به تعاریف پیش‌گفته، فلسفه اسلامی دانشی است که نه تنها برای جامعه اسلامی مفید و لازم است و نیز با آموزه‌های اسلامی سازگار است و در مقام گردآوری و جهت‌دهی از اسلام بهره می‌گیرد؛ بلکه مبادی مابعدالطبیعه علوم طبیعی و انسان و مسائل فلسفه‌های مضاف به حقایق درجه اول را تأمین می‌کند و در پرتو اسلام جامع‌نگر، هویت می‌یابد.

د. و اما از مطالب ذیل می توان اسلامیت فلسفه محقق را موجّه و مدل دانست:¹

1- عقل فلسفی آدمیان، با استمداد از عقل قدسی و وحیانی بالنده شده، و به حقایق هستی شناسانه بیشتر و عمیق تری دست می یابد؛ برای نمونه، فلسفه و جهان بینی ارسطو با استمداد از عقل فلسفی فقط توانست نیاز جهان مادی به مبدأ را در قالب محرک بلا تحرک درک کند؛ در حالی که فلسفه اسلامی با محوریت توحید، همه عرصه های هستی را عین الربط الی الله معرفی کرد؛ پس پیش فرض امکان فلسفه اسلامی این است که عقل بشری، نیروی ادراکی دارای مراتبی است که قابلیت بالندگی معرفت شناختی دارد و عقل وحیانی در رشد و شکوفایی خرد آدمیان تأثیر می گذارد؛ به همین دلیل، ابن سینا در تبیین عقلی و برهانی «وجوب و امکان» در اشارت و تنبیهات از آیه «أولم یکف بربک أنه علی کل شیء شهیدا»²، ملاصدرا در بحث «حرکت جوهری» از آیه «و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمر مر السحاب»³ و در بحث «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا» بودن نفس از آیات آغازین سوره مبارکه مؤمنون الهام می گیرند و اگر وجه الهام گیری و استنباط تفسیری فیلسوفان از قرآن و سنت نزد عده ای پذیرفته نباشد، اصل الهام گرفتن حکیمان را نمی توانند انکار کنند و نقد صغروی مستلزم نقد کبرای رویکرد نیست.

2- کثرت مسائل فلسفی در تاریخ اندیشه اسلامی و نوآوری های فیلسوفان مسلمان، راه دیگر پذیرش هویت فلسفه اسلامی و تمایز بنیادین آن با فلسفه یونانی است.

گرچه فلسفه اسلامی به ویژه در آغاز حیاتش از فلسفه افلاطون و ارسطو بهره گرفته، تفاوت بزرگی میان آن دو است. فیلسوفان اسلامی با شرح و بسط مباحث به طرحی نو دست یافتند و فلسفه مستقل و متفاوتی با فلسفه رواقی، مشایی و نوافلاطونی را ساختند و روح آن،

1. ن. ک. به: عبدالرسول عبودیت، آیا فلسفه اسلامی داریم؟، فصلنامه معرفت فلسفی، شماره اول، سال اول، پاییز 1382؛ ن. ک. به: عبدالحسین خسروپناه، فلسفه فلسفه اسلامی، ص 354 - 362؛ ن. ک. به: رسول نادری، ماهیت فلسفه اسلامی.

2. فصلت / 53.

3. نمل / 88.

روح اسلام است؛ پس فلسفه اسلامی، ابتکارات و دستاوردهای نویی در عرصه هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مانند اصالت وجود، حرکت جوهری، و تجرد نفس یافته و شرح و بسط پیدا کرده است. فلسفه اسلامی به دنبال علل فاعلی و غایی است. بر خلاف فلسفه ارسطو که صرفاً به دنبال علت غایی است.

3- تمایز فلسفه اسلامی با کلام اسلامی در روش و هدف نمایان است؛ زیرا هدف فلسفه، حقیقت‌یابی و هدف کلام، دفاع از باورهای دینی است. روش فلسفه، برهانی و عقلی، و روش کلام، دفاع از باورهای دینی است. روش فلسفه، برهانی و عقلی و روش کلام عقلی و نقلی یا برهانی و جدلی است؛ پس اگر دو دانش پیش گفته از خدا، صفات و افعال الهی سخن بگویند؛ به معنای تحویل فلسفه به کلام نیست؛ زیرا روش و رویکرد خداشناسی کلام با فلسفه تفاوت دارد. تحویل‌پذیری فلسفه به کلام، آن‌گاه تقویت می‌شود که روش فلسفه اسلامی را عقل و نقل، و موضوعش را خدا و صفات و افعال الهی و هدف آن را اثبات عقاید اسلامی بدانیم که کاملاً با روش عقلی و برهانی محض و موضوع هستی‌شناختی و هدف حقیقت‌یابی فلسفه محض تمایز دارد.¹

4- ملاک دیگر اسلامی بودن فلسفه، تعاطی عقلانی میان مسلمانان و بالندگی آن در بستر فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ همچنان‌که فلسفه اسلامی به معنای فلسفه فیلسوفان مسلمان، محل تردید و نزاع نیست.

5- وحی اسلامی منشأیی برای افکار فلسفی محض است. قرآن و سنت به موضوعات و مسائل فلسفی پرداخته‌اند و فلسفه اسلامی آن‌ها را از نصوص دینی به عاریه می‌گیرد؛ فلسفه در مقام گردآوری و گزینش مسائل و مبناسازی از اسلام الهام می‌گیرد و حتی دین در ابداع مفاهیم یا چگونگی استدلال به عقل فلسفی مدد می‌رساند؛ مانند تأثیرپذیری فلسفه اسلامی از

1. ن. ک. به: وات مونتکمیری، فلسفه و کلام اسلامی، ابوالفضل عزتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1370، ص 45؛ ن. ک. به: عبدالحسین خسروپناه، فلسفه فلسفه اسلامی، ص 354 - 362؛ ن. ک. به: رسول نادری، ماهیت فلسفه اسلامی.

دین اسلام در مسائلی مانند تجلی خداوند در همهٔ ممکنات، علم الهی، و، فلسفه اسلامی به گونه‌ای با مفاهیم قرآنی و روایی آمیخته است که بدون درک متون دینی، آگاهی از فلسفه اسلامی میسر نیست که جملگی از شریعت اسلامی و وحی و احادیث اصطیاد شده‌اند، پس با وجود تفکیک عقل و وحی، معاضدت عقل و فلسفه به مدد وحی و سلام، امری مسلم است.

6- روح فلسفه اسلامی، توحید محورانه است؛ زیرا تمام موجودات ممکن در تفکر فلسفی با ساحت مقدس ربوبی ارتباط دارند و تجلیات الهی یا وجود ربطی و فقری به شمار می‌آیند. وابستگی هستی‌ها به خداوند متعالی در تمام ساحت‌های آفرینش و تدبیر، پارادایمی است که از متون اسلام گرفته شده و جان تازه‌ای به فلسفه بخشیده است.

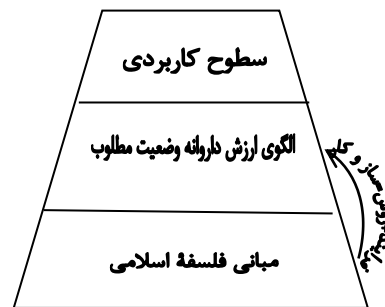
7- فلسفه الهی و اسلامی با لحاظ دیگری می‌تواند معقول و موجه شود و آن لحاظ عبارت است از اینکه فلسفه، مقدمهٔ دین‌داری و اسلام‌گرایی انسان‌ها باشد؛ یعنی عقول آنها را آماده پذیرش دین کند و راه قبول دین را هموار سازد و دین‌داران را دفاع از معارف دینی یاری رساند. فلسفه الحادی نیز می‌تواند اندیشه ملحدان و منکران دین را مجهز سازد.

8- اگر هدف فلسفه اسلامی را معقول‌سازی جهان هستی جهت تعالی انسان‌ها، و هدف دین را تعلیم و تزکیه آدمیان بدانیم می‌توان فلسفه‌ها را به الحادی و الهی تقسیم کرد؛ زیرا اگر فلسفه با هدایت عقل و استدلال‌های منطقی - عقلی، انسان‌ها را به سرچشمهٔ حیات، راهنمایی و به باورهای دینی نزدیک کند و در رفع شبهات از حریم دین مؤثر باشد، به فلسفه‌ای الهی تبدیل می‌شود و هویت و ماهیت آن با فلسفه الحادی تمایز می‌یابد.¹

تعاریف بیان شده در باب فلسفهٔ اسلامی، تعاریفی است که مقصود تحقیق حاضر را نیز دربرمی‌گیرد از این رو - با عنایت به شکلی که خواهد آمد² - چنین فلسفهٔ اسلامی مبنای شیوهٔ استخراج اصول ارزش‌داورانه در ضمن این پژوهش خواهد بود.

1. عبدالحسین خسروپناه، فلسفهٔ فلسفهٔ اسلامی، ص 354 - 362.

2. بنگرید به: تصویر سطوح تحلیلی یک مدیریت راهبردی فرهنگی با مبنای فلسفهٔ اسلامی، ص 50.



شکل 1-5- سطوح تحلیلی یک مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی

با ملاحظه اجزای مفهومی این پایان نامه اینک نظام واژگانی عنوان پایان نامه به روشنی افزون تر می گراید:

مفاد قابل استفاده از عنوان «سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی» با توجه به دلالت مفهومی مفردات این ترکیب عبارت است از: فرایند و روش استخراج اصول ارزش داورانه مخدوم از مبانی فلسفه و فکر دینی.

3-1- تحلیل و جمع بندی فصل

جمع بندی از مباحث فصل چند اصل را پیش رو می گذارد که از جمله عبارتند از:

3-1-1- عرصه بین حوزه ای با علوم انسانی و معارف دینی چونان دانش فلسفه اسلامی مطلوب و معارف مبنا، مبنای پاسخگویی به مسائل عرصه پیشرفت فرهنگی است.

4-1-2- مدیریت راهبردی فرهنگی، مدیریت راهبردی با رویکرد فرهنگی است که تصمیمات حیات و ممت سازمان را در بردارد، از این رو فرایندهایی را شامل می گردد که روش شناسی آمیختگانی خودویژه خویش را می طلبد، در این راستا سازوکار به فرایند و روش تعبیر گردید. با عنایت به نوع تصمیمات موجود در مدیریت راهبردی فرهنگی، پرواضح است که مقصود از اصول نیز اصول ارزش داورانه مخدوم خواهد بود.

3-1-3- با اهتمام به مقدمات پیشین چنین روشن گردید که مفاد قابل استفاده از عنوان

«سازوکار استخراج اصول مدیریت راهبردی فرهنگی از مبانی فلسفه اسلامی» با توجه به دلالت

مفهومی مفردات این ترکیب عبارت است از:

فرایند و روش استخراج اصول ارزش‌دورانه مخدوم از مبانی فلسفه و فکر دینی.